

علیه سرمایه

تربیبون کارگران ضد سرمایه داری
شماره سی و نهم / تیر ماه هزار و چهار صد

بیانیه ۶ شورای سازماندهی اعتصاب کارگران پیمانی، نقاط قوت، کاستی ها

جنبش کارگری ایران در سه ماه اول سال ۱۴۰۰

اعتصابات روزافزون، خواست ها واحد، تشتت ها هول انگیز!

لحظات حساس و سرنوشت ساز در تاریخ مبارزه طبقاتی ما!

به همزنجیران کارگر در سراسر ایران! (۲)

نگاهی به بیانیه پنجم شورای اعتصاب کارگران پیمانی نفت

دو نامه از دورفیق کارگر

گزارشی از قلب اعتصاب

مروری در اطلاعیه «شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت»

رژیم اسلامی سرمایه و قتل عام کارگران درمان (متن تکمیلی ۲۲)

از یک کولبر به کولبران درباره سوداگران کرد و نفتگران اعتصابی

مد، قدرت و سود در ترکیه

بیانیه ۶ شورای سازماندهی اعتصاب کارگران پیمانی،

نقاط قوت، کاستی ها

کارگران ضد سرمایه داری / تیرماه ۱۴۰۰



برچیدن کامل مقاطعه کاری نیز ابه اندازه لازم مورد تأکید قرار گرفته است. بیانیه به درستی بر اهمیت دسیسه پردازی ها و توطئه های نقشه مند سرمایه داران و مزدوران آنها برای بمباران همبستگی و اتحاد کارگران، پاشیدن بذر اختلاف میان توده های کارگر و جلوگیری از صف آرائی متحد و پرخروش طبقاتی آنان انگشت می گذارد و خواهان ستیز آگاهانه، تیزبینانه و هوشمندانه کل کارگران با این ترفندها و دسیسه ها می گردد. همه اینها نقاط قوت بیانیه و در واقع گواه جهتگیری بالنده پویه پیکار جاری چند ده هزار کارگر اعتصابی می باشد. در این شکی نیست، اما بحث فقط بر سر نقطه قوت ها نیست، کاستی ها، پاشنه آشیل ها و حلقه های سست نیز همچنان در ژرفنای نگاه،

پافشاری مؤکد و مصمم بر ادامه اعتصاب تا تحقق کامل تمامی مطالبات، برای همه کارگران، قطعا ارزنده ترین و درخشنده ترین بند بیانیه ششم است. شورا یک بار دیگر تصریح کرده است که دستمزد هیچ کارگری نباید از ۱۲ میلیون تومان کمتر باشد. کلیه قراردادهای کار دائمی گردد، اشتغال همگان تضمین و هر نوع بیکارسازی ممنوع شود. مردها به موقع پرداخت و ایمنی فراگیر و مدرن کلیه محیط های کار با استانداردهای موثق تضمین گردد. همه کارگاهها، کمپها، خوابگاهها به دستگاههای تهویه مجهز شوند، بهبود مؤثر در شرایط کار، اماکن عمومی، دستشویی ها، حمام ها، سالنهای صرف غذا فراهم آید، تأمین بهداشت، دارو و درمان کاملا رایگان، برای همه کارگران و

در رویکرد حاضر و در سطر، سطر حرفهای نویسندگان بیانیه موج می زند و قلب ها را می آزارد. به نکات زیر نظر اندازیم.

۱- «با توجه به گستردگی و فراگیر شدن اعتصاب، پیوستن اکثر مراکز کارگری به این اعتصاب و حمایت هایی که تا به حال از آن صورت گرفته، ما امروز در موقعیت بسیار خوبی برای رسیدن به بخش های مهمی از خواسته های خود قرار داریم» (تأکید از ماست)

معنای زمینی این عبارت ها آنست که همه چیز در کارگران پیمانی نفت خلاصه می شود!! همه کارگران باید به حمایت از ما برخیزند تا خواسته های ما را محقق سازند!! همبستگی و اتحاد هر چه سراسری تر خوب است تا ما را در حصول مطالبات خود یاری دهد!! همه کارگران باید دست به دست هم دهند تا ما در اعتصاب خود پیروز شویم!! این همان حلقه سست، یا سست ترین حلقه، نقطه بسیار تاریک و آزار دهنده ای است که در هر ۶ بیانیه شورا بارز است و بر کرده امیدها تازیانده می زند. سؤال اساسی از همزنجیران آنست که چرا فقط دیگران از شما حمایت کنند؟! چرا دامنه این همصدائی، همرزمی و همسنجی پرشکوه باید به سنگین سازی کفه توان چانه زنی شما در مقابل کارفرمایان محدود ماند؟! چرا شما پای پیش نمی نهید و دست به کار تلاش نقشه مند و آگاه برای فشردن دست دهها میلیون کارگر در حال پیکار دیگر در سراسر سرمایه داری ایران نمی گردید؟! فقط شما در حال اعتصاب نیستید، در این دوزخ تفتان سرمایه هر روز دهها و هر سال چندین هزار اعتصاب از سوی خیل چندین ده میلیونی همزنجیران با همین خواست ها، اتفاق می افتد. همه از فشار استثمار سرمایه درد می کشند، از سببیت سرمایه، طبقه سرمایه دار و دولت سرمایه داری عاصی هستند، چرا بیرق پشتیبانی سرمایه ستیز از اعتصابات و اعتراضات توده وسیع کارگر در گوشه، گوشه این جهنم بلند نمی کنید؟! چرا همچنان کارگر نفت بودن را تکرار می کنید، مرزهای مبارزه را دیوارهای حوزه نفت و دشمن را چند مقاطعه کار می بینید!!! چرا این حصارها را فرو نمی ریزید؟؟ چرا استوار و آهنین فریاد نمی زنید که چند ده هزار کارگر از چند میلیارد کارگر دنیا، اعضای یک طبقه واحد جهانی هستید، خطاب به کل کارگران ایران حرف نمی زنید، آن ها را به مبارزه متحد طبقاتی دعوت نمی کنید، بر خواست های مشترک کل طبقه پای نمی فشارید؟! چرا اساس کار را سازمانیابی سراسری، شورائی، ضد سرمایه داری چند ده میلیون همزنجیر قرار نمی دهید، اعتصاب خود را سنگر

توفنده ای برای ایفای این نقش سترگ نمی کنید. از یاد نبرید که شما در شروع اعتصاب چند هزار کارگر در چندین مرکز کار و تولید بودید، اکنون بر اساس آمارها تعداد اعتصاب کنندگان به ۴۰ هزار و شمار مراکز در حال تعطیل از ۸۰ افزون گردیده است.

۲- شورا خواهان ایجاد گروه های تلگرامی با هدف انتخاب مجمع نمایندگان در عسلویه و کنگان است «کارگران اعتصابی در عسلویه و کنگان، کمپ ها را ترک کرده اند، انتخاب نماینده و یا مجمع نمایندگان از سوی کارگران برای مذاکره با کارفرمایان در محل ممکن نیست. فوراً در این مناطق گروه های تلگرامی را درست کنیم، کاندید بدهیم و هر کس خودش کاندید شود و نمایندگان خود را انتخاب کنیم.»

جای تردیدی نیست که باید از کل دستاورهای تکنیکی و علمی که محصول مستقیم کار، تولید و استثمار نسل بعد از نسل طبقه ما توسط سرمایه است به عنوان ساز و برگ پیکار علیه نظام بردگی مزدی استفاده کرد. سرمایه همه اینها را برای افزایش بارآوری کار، تشدید سبانه استثمار، بمباران پیوندهای ژرف انسانی و طبقاتی انسانها، جدائی هر چه موحش تر ما از کار خود، انفصال هر چه ژرفتر ما از پویه تعیین سرنوشت کار، تولید و زندگی خود، بیگانگی فاجعه بار ما از خود و همدیگر بهره می گیرد. ما باید به طور معکوس و متضاد از این ابزار و یافته ها برای برداشتن موانع سر راه پیکار، طوفانی تر ساختن هر چه بیشتر جنگ علیه سرمایه استفاده کنیم، اما تا جایی که به رهنمود دوستان «شورا» مربوط می شود مسائل مهمی قابل بحث هستند. قبل از هر چیز فراموش نکنیم که تلگرام، زوم، کلاب هاوس یا هر شبکه اینترنتی دیگر قرار نیست بدیلی برای قدرت سازمان یافته شورائی ضد سرمایه داری ما شود. جنبش ما یک خیزش هشتگی، اینستاگرامی نیست. جنبشی است که می خواهد تجلی دخالتگری آگاه، نافذ، متحد، متشکل و شورائی کل آحاد طبقه کارگر در جنگ علیه سرمایه، جنبش انسان های همپیوند در شرایط کار، معاش، مبارزه، چاره گری، تصمیم گیری، برنامه ریزی، سیاستگذاری باشد، ما باید با همه توان، از این ساز و کارها، برای برپائی این جنبش بهره برگیریم، اما نمی توانیم این ابزار و تکنیک ها را جایگزین خود این جنبش شورائی سرمایه ستیز، جایگزین همپیوندی، همرزمی و همسنجی شورائی و ضد بردگی مزدی سازیم. ایراد بسیار مهم دیگر نسخه نویسی دوستان آنست که در اینجا نیز همه چیز را در حصار تنگ اعتراض یک عده کارگر پیمانی نفت محصور می کنند،

حرفشان این است که کارگران نفت گروه تلگرامی برپای دارند، نفتی ها تلگرامی نماینده معرفی نمایند، نفتی ها با تلگرام مجمع نمایندگان کارگران پیمانی را تشکیل دهند!! باز هم پرسش اساسی و حیاتی از همزمان این است که چرا فقط کارگران پیمانی نفت؟! وقتی بناست که کارگران عسلویه و کنگان بدون حضور در محل کار، از فرسنگ ها دور، از درون کومه های مسکونی خود، با تلگرام به هم پیوند خورند و یک جنبش واحد گردند، چرا کل طبقه کارگر ایران که در درون مراکز کار و تولید، در محله های مسکونی، در شهرهای بزرگ و کوچک، در بطن شرایط کار و معاش کنار هم هستند نمی توانند یک جنبش شورائی ضد سرمایه داری واحد شوند؟! چرا نباید در این راه گام برداشت؟ چرا اعتصاب روز شما ستاد توفنده تلاش، برنامه ریزی، تدبیر و چاره گری برای پیمودن این مسیر نگردد؟! ۳ - شورا می گوید: «اولین مذاکرات، توافق یا تصمیم احتمالی بین کارگران و کارفرمایان در چند شرکت پیمانکاری مهم هستند و می تواند مبنایی برای مذاکرات در شرکت های دیگر باشد. در این مورد باید دقت کرد. چون با اعلام اولین توافقات بصورت علنی و احتمالا بازگشت به کار کارگران در این شرکتها، عملا سر نوشت اعتصاب تعیین می شود و این توافقات برای باقی شرکت ها الگو خواهد بود. بسیار مهم است که در این مورد ابتکار عمل را به دست بگیریم و سعی کنیم خواست های اولیه وفوری خود را به روشنی و بطور شفاف اعلام و مبنای مذاکره با پیمانکاران قرار دهیم.» این بند عملا شیرازه اتحاد و همبستگی کارگری را حتی در محدوده همین اعتصاب ۴۰ هزار نفری روز زیر سؤال یا در واقع زیر ضربه می گیرد. اگر بناست هر تعداد کارگر در هر محل کار با صاحبان سرمایه وارد مذاکره و تنظیم قرارداد شوند، دیگر اعتصاب سراسری با مطالبات مشترک و اعمال قدرت واحد چه معنی دارد؟! و چه محلی از اعراب پیدا می کند؟! اگر قرار است چنین شود چه تضمینی برای ادامه اعتصاب تا پیروزی کامل همه اعتصاب کنندگان وجود دارد؟! اگر بناست چنین شود و شورا صادر کننده مجوز این نوع اقدامات باشد، چرا وحوش سرمایه دار کمترین وقعی به خواسته های هزاران کارگر ساده و بدون تخصص بگذارند، چرا همه آنها را تسلیم تیغ اخراج و گرسنگی و مرگ ناشی از بیکاری و بی نانی نسازند؟! همه حرفها تا حال به درستی آن بود که اعتصاب «سراسری» روز، لااقل خود را در مقابل تحقق خواسته های همه کارگران معترض اعتصابی متعهد و مصمم بیند، اما وقتی از مجاز

و موجه بودن چانه زدن های سندیکالیستی هر عده کارگر با هر سرمایه دار مقاطعه کار صحبت می کنیم تکلیف وفاداری به آن میثاقها و میعادها چه می شود؟! این بند بیانیه بسیار یأس انگیز و نگران کننده است.

۴ - شورا اصرار دارد که دولت باید ناظر و ضامن اجرای توافقات باشد!! «ما اعلام می کنیم که همین امروز دولت باید ناظر و تضمین کننده اجرای همه توافقاتی باشد که در مذاکرات با کارفرمایان صورت می گیرد»!!!

یگانه نیروی تضمین کننده هر پیروزی، تحقق هر خواست، مجبور ساختن کارفرما به هر عقب نشینی یا مجبور کردن سرمایه داران درنده به انجام هر تعهد، فقط، فقط و باز هم فقط قدرت متحد، سازمان یافته، شورائی و مصمم کارگران است. جایگزینی این قدرت با نظارت و دخالت دولت سرمایه داری رویکردی سازشکارانه است. سخن شورا در آغاز آن بود که از دخیل بندی به قانون، نظم و نهادهای دولتی سرمایه دوری جوید اما اینک چشم انتظار حمایت دولت از کارگران در مقابل سرمایه داران می گردد!! آیا این کار پاشیدن بذر توهم در ذهن توده های کارگر نیست؟! قطعاً هست.

ما به عنوان همزمان، بسیار صمیمانه و رفیقانه از کل کارگران اعتصابی در نقطه، نقطه جهنم سرمایه داری ایران، کل توده های کارگر، از جمله شورای سازماندهی اعتصاب می خواهیم که نسبت به آنچه زیر عنوان حلقه های سست، پاشنه آشیل ها و ضعف ها آوردیم، با بیشترین احساس مسؤلیت کارگری، طبقاتی، ضد سرمایه داری حساسیت نشان داده و دست به کار رفع آن ها گردند. ما کارگر نفت نیستیم اما کارگریم، افرادی از جنبش کارگری می باشیم. کارگران را با پسوند نفتی، گازی، جوشکار، تراشکار، معلم، پرستار، راننده، کشاورزی، صنعتی، نظافتچی، شاغل، بیکار، فنی، ساده از هم جدا نمی سازیم، همه را آحاد و اجزاء غیرقابل تجزیه طبقه کارگر می بینیم و برای سازمانیابی سراسری، شورائی و ضد سرمایه داری همه آن ها می جنگیم. در همین راستا این حق را برای خویش قائلیم که با یکایک یا هر عده همزنجیران وارد گفت و شنود شویم، اشکالات را بازگوئیم، انتقاد کنیم و با همه وجود پذیرای انتقاد باشیم، هر چه در توان داریم زادراه پیکار و پیروزی هر اعتصاب کنیم و هر چه از دستمان ساخته است انجام دهیم. پیش کشیدن نکات بالا نیز از جمله همین تقلاها است.

جنبش کارگری ایران در سه ماه اول سال ۱۴۰۰



ابراهیم پاینده / تیر ۱۴۰۰

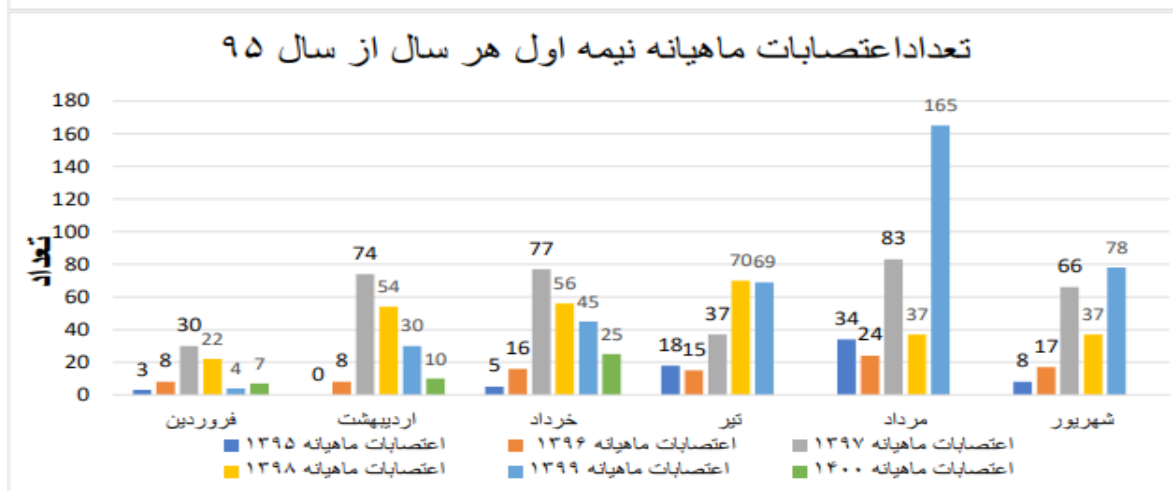
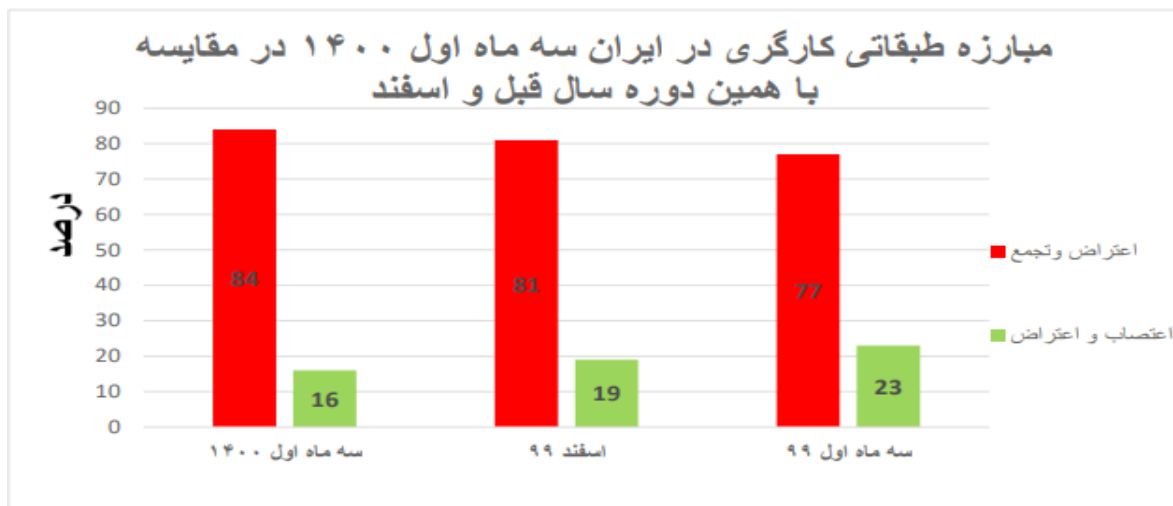


علیه شدت وحشیانه استثمار، شبه رایگان بودن بهای نیروی کار و نبود کوچکترین امید بر ادامه زندگی فریاد اعتراض سر می دهند. اما این کار را با زبونی، التماس و استغاثه از درگاه سرمایه انجام می دهند. جلو درب سازمان های رژیم سرمایه، استانداری و مجلس سرمایه داران بست می نشینند، راه پیمایی می کنند و گاهی التماس و درخواست و خواهان تضمین امنیت شغلی و تمدید استثمار خود می شوند. یک کارگر با اندک آگاهی طبقاتی قادر به این درک است که همه این ها ناشی از نظام سرمایه است و معضل در وجود سرمایه است و قرار نیست و نبوده است که نهاد های نظام کارمزدی مشکل گشای مسایلی که خود بانی آن هستند باشند. اگر به اعتصابات و مبارزات هر روزه کنونی، این جا و آن جا

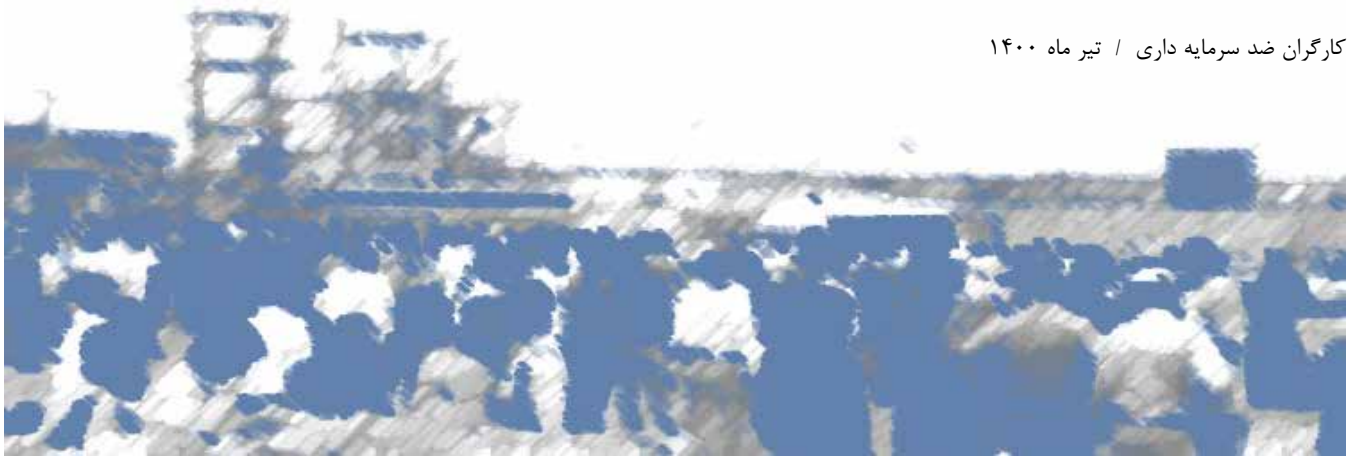
در این سه ماه اول سال مجموعاً ۲۵۶ اعتراض و اعتصاب صورت گرفته که نسبت به سال ۹۹ با تعداد ۳۶۸ حرکت کارگری کمی کمتر بوده است. از اواخر خرداد تکان هایی در حرکات کارگران صنایع جنوب (نفت و گاز و پتروشیمی ها)، عموماً کارگران پیمانی رخ می دهد که بارقه ای از امید به جنبشی رادیکال و سرمایه ستیز در دل ها ایجاد نمود. این اعتصابات بعلاوه تعداد زیادی مبارزات و راه پیمایی ها و تجمعات اعتراضی که در طول این مدت رخ داده اند نمونه ای از خروار مبارزات و خروش کارگری هستند که در همین ماه خرداد و اول تیر تاکنون از جانب توده های کارگر حوزه های مختلف سرمایه علیه فقر، دستمزدهای نازل، اعتراض به تأخیر معوقات مزدی و سایر مصائبی که رژیم سرمایه بر سر ما آوار کرده است، بوده اند. در عین حال کارگران برخی حوزه های سرمایه

که در شهرهای مختلف جریان دارد نظر اندازیم، درک این مشکل نخواهد بود که اکنون این مبارزات وارد فازی گردیده که لزوم هر چه طبقاتی کردن هر مبارزه ی هر کارگر را طلب می کند. مبارزه طبقاتی روز ما کارگران با همه این اعتراضات در پشت یک بن بست بسیار سهمگین متوقف مانده است. این بن بست، عدم آگاهی توده های کارگر از بازشناسی قدرت تاریخساز پیکار طبقاتی خود و احساس عجز از سازماندهی شورائی ضد سرمایه داری و سراسری این قدرت به هم پیوسته طبقاتی است. طبقه کارگر بدون شکستن این سد قادر به انجام هیچ کار مهمی نیست و در معرض آماج تهدید تمامی سناریوهای سیاه فاجعه بار تاریخی از جمله توسط این یا آن رویکرد

ارتجاعی بورژوازی، خرده اصلاح طلبان با چهره نو بلعیده شود، اسیر فرمیسم منحن سندیکالیستی یا فرمیسم چپ نمای حزب نشین گردد. مثل همیشه شکست خورد و آماده تحمل شکست های بدتر بعدی گردد. ما با توجه به همه این شرایط، سیر رخدادها و انواع چشم اندازها، از کل کارگران و فعالین کارگری می خواهیم که دست به کار تلاش برای شکستن این سد شوند. ما بخوبی می دانیم که کارگران عظیم ترین قدرت را در دستان خویش داریم و اگر دست از کار بکشیم و در ادامه این عمل تا سرحد موفقیت کوشا باشیم آنوقت قادر خواهیم بود زمین را زیر پای سرمایه داران به لرزه در آوریم اما این کار فقط از طریق اتحاد و همبستگی ما در شوراهای سرمایه ستیز کارگری میسر خواهد شد.



کارگران ضد سرمایه داری / تیر ماه ۱۴۰۰



اعلام کرده اند. کارگران در حال اعتصاب علی‌العموم، خواهان افزایش مزدها به میزان بالاتر از ۱۲ میلیون تومان در ماه، پرداخت همه مزدهای معوقه، ایمنی مطمئن محیط مرگبار کار، بهبود چشمگیر وضعیت بهداشت، دارو و درمان، امنیت مطمئن اشتغال و خلاصی از فلاکت و فقر مولود نظام بفرستیز سرمایه داری هستند.

خواست‌ها واحد، طغیانها همزمان، صداها در هم تنیده است. دردها مشترک و سرچشمه کل آنها وجود منحن نظام سرمایه داری است. آنچه در این میان به کلی غائب و غیبت آن از همه لحاظ فاجعه بار است، همپیوندی آهنین اعتصاب کنندگان در بطن یک جنبش سازمان یافته، شورائی، طبقاتی و ضد سرمایه داری است. این کاستی همان چیزی است که وجود و بقای آن علت بنیادی تمامی شکست‌های طبقه ما در سراسر جهان در تمامی طول تاریخ سرمایه داری است. از این هم فراتر، این کاستی دلیل ریشه‌ای و اساسی بقای نظام بردگی مزدی و علل العلل کارگر ماندن و برده مزدی ماندن ما و لاجرم سیه روز، دوزخ نشین و نفرین شده بودن ما است. بدون چالش و رفع این کاستی در هیچ مبارزه‌ای پیروز نمی‌گردیم. این یک حقیقت شفاف و عریان است. رفع و دفع و محو این کاستی بالعکس هیچ کار محال یا حتی بیش از حد دشواری نیست. بیائید این را به آزمون ایستیم. از درون همین اعتصابات حی و حاضر به سوی هم بشتابیم، به گفتگو بنشینیم، به هم بگوئیم که همه ما اعتصاب کنندگان و کل همزنجران در حال پیوستن به مبارزات، آحاد یک طبقه واحد، طبقه کارگر هستیم. می‌خواهیم یک قدرت واحد سازمان یافته سراسری شورائی و ضد بردگی مزدی شویم. راه اتحاد پیش گیریم و اتحاد و همبستگی در کارزار حاضر را سنگ بنای برپائی این قدرت عظیم تاریخساز کنیم.

دهها میلیون کارگر محکوم به بردگی مزدی، در جهنم سرمایه داری ایران قادر به تحمل فشار انفجارآمیز گرسنگی، فقر، فلاکت و بی‌خانمانی نیستند. هزار، هزار عاصی از جنایت‌ها، درندگی‌ها و گرسنگی آفرینی‌های سرمایه چرخه تولید را متوقف می‌سازند. دست به اعتصاب می‌زنند، فریاد اعتراض سر می‌دهند و خواستار تحقق فوری و بدون قید و شرط خواسته‌های خود هستند. تعطیل کار و متوقف نمودن چرخه تولید سود برای آنان هیچ تازگی ندارد، جبر محض زندگی آنان است. بهای بیش از حد نازل نیروی کارشان کفاف هیچ چیز را نمی‌دهد. آنان همیشه، همه جا، در تمامی دوره‌ها مجبور بوده‌اند که فروش نیروی کار را با پروسه پیکار علیه سببیت و بربریت سرمایه داران و دولت سرمایه به هم آمیزند. هیچ چیز تازه‌ای رخ نداده است. اگر بناست شاخصی برای روند کارزارهای روز بر زبان آریم، شاید طغیان آمیزی و غیرقابل مهار شدن مبارزات زیرمهمیز مرگ‌آور بدبختی‌ها و سیه‌روزی‌ها نکته‌ای برای گفتن باشد. در طول فقط سه روز کارگران شمار کثیری از مراکز کار و تولید در مناطق مختلف کشور به اعتصاب پیوسته‌اند. همین امروز نیز تا لحظه حاضر توده‌های کارگر شاغل در مؤسسات زیر:

۱ - فولاد یزد، ۲ - صدا و سیما، ۳ - ODCC پالایشگاه اصفهان، ۴ - پروژه انتقال آب به دریاچه ارومیه در شهرستان نقده، ۵ - شرکت دیار خودرو در شهرک صنعتی گلپایگان، ۶ - پیمانکاری نیروگاه رامین اهواز، ۷ - فاز دو پالایشگاه بید بلند بهبهان، ۸ - رادیوگرافی شرکت نیما آزمون و برخی واحدهای بزرگ و متوسط دیگر دست از کار کشیده و پیوستن خود به موج پیکار همزنجران را به اطلاع همگان رسانده‌اند. در غیر این صورت آمادگی خود را برای ملحق شدن در روزهای آتی



در تاریخ مبارزه طبقاتی ما!



کارگران ضد سرمایه داری / تیر ۱۴۰۰



ادامه زندگی ندارد. اینها نه خواست کارگران نفت، گاز، پتروشیمی که خواست مبرم، اولیه، جبری و قهری کل آحاد توده های طبقه ما است. دقیقا به همین دلیل کارزار حاضر ما از کل ظرفیت لازم برای شعله کشیدن، توفانی گردیدن و سراسری شدن برخوردار است. ما در آستانه وقوع این خیزش هستیم. اما ویژگی اساسی مبارزات روز، نه این، که شاخص بسیار مهم، بنیادی و سرنوشت ساز دیگری است. بدانیم یا ندانیم، قبول کنیم یا نکنیم، آنچه در حال انجامش هستیم، می تواند و البته فقط می تواند دق الباب آغاز روند یک کارزار شورائی، سراسری، سرمایه ستیز با پتانسیل ارتقاء به یک جنبش سازمان یافته، طبقاتی، شورائی و ضد سرمایه داری باشد. جای هیچ شکی نیست که برای تحقق این ارتقاء، برای تبدیل شدن به یک قدرت شورائی ضد بردگی مزدی راه بسیار درازی، آکنده از سنگلاخها، جنگها، شکستها، پیروزیها، یأس ها

به ده ها میلیون همزنجیر کارگر در سراسر ایران!
چند روز است که دوش به دوش هم، در سطحی وسیع، با خیزشی در حال سراسری شدن، کارخانه ها و مراکز کار را تعطیل کرده ایم، چرخه تولید سرمایه داری را از چرخش باز داشته و زمین زیر پای طبقه سرمایه دار و دولتش را دچار زلزله ساخته ایم. در نفت، گاز، پتروشیمی ها، صنایع فولاد، نیروگاهها، پالایشگاهها، شهرداری ها، پروژه های انتقال آب، صدا و سیما، بیمارستان ها، خودروسازی ها و فراوان مراکز کار یا حوزه های اشتغال دیگر با صدای واحد برای تحقق خواسته های مشترک فریاد اعتراض سر داده و اعلام اعتصاب کرده ایم. مطالبات ما بیش از حد نازل و بیان بسیار ساده ابتدائی ترین و حقیرترین مایحتاج معیشتی برای مجرد زنده ماندن است. هیچ کارگری با مزد کمتر از ۱۲ میلیون تومان قادر به تأمین حیات خود و فرزندانش نیست. هیچ کارگری قادر به تحمل شرایط مرگ آور کار نمی باشد، هیچ انسانی بدون سرپناه، دارو، درمان امکان

و امیدها پیش رو داریم، اما جنبش شورائی یک تئوری، افسانه، یک فرض مریخی، یک اسطوره یا خیالیبافی نیست، آرمانی غیرقابل حصول نمی باشد، بستر برپائی آن شرایط کار، استثمار، زندگی و پیکار ماست، توسط آحاد طبقه ما معماری می گردد، مائیم که آن را می سازیم، توسعه می دهیم، آگاهی می بخشیم، توان پیکار تفویض می کنیم، قدرت تاریخسازش را می پروریم و وارد میدان می کنیم. همین خیزش اعتصابی گسترده روز ما از شاخص های لازم برای این جهتگیری، بالیدن و به ثمر نشستن برخوردار است. اعتصاب حاضر ما خود نماد واقعی یک جدال شورائی و الگوی مراودات طبقاتی خودپوی شورائی ما برای بستن صف در مقابل سرمایه و نظام سرمایه داری است. ما به دستور دکه داران سندیکاچی وارد اعتصاب نشده ایم، با فراخوان کاسبکارانه یک حزب راست یا چپ نمای سیاسی پا به میدان پیکار ننهادیم، مانیفست اعتصاب ما را درد و رنج مشترک طبقاتی، سرمایه ستیزی خودپوی طبقاتی، همپیوندی و همسنجی خودجوش مولود هستی اجتماعی واحد صادر کرده است، همه این ها ما را به عزیمتی شورائی، جنب و جوش و خیزشی شورائی برای صف آرائی متحد در مقابل وحوش سرمایه دار و دولت سرمایه سمت داده اند. ما به طور روتین، بدون نیاز به صدرنشینان، سفینه بانان، اکابر و اعظام حزبی یا سندیکاچی دست در دست هم نهاده و با هم یکی شده ایم. این راه را تا همین جا شورائی و صد البته بسیار ابتدائی، نازل، خودپو، آسیب پذیر و متزلزل طی کرده ایم. نکته بسیار کلیدی، محوری، بنیادی و تعیین کننده آنست که این شورای خودجوش نشأت گرفته از نیاز سرکش به مبارزه متحد علیه سرمایه را پدیده ای موقتی، محکوم به فنا، فاقد اعتبار بقا، فاقد موضوعیت ماندگاری در زندگی و مبارزه تلقی نکنیم، بالعکس آن را ارج گزاریم، موجودی زنده به حساب آریم که باید تغذیه شود، رشد نماید، به لحاظ فیزیکی جمعیت هر چه کثیری کارگر را در خود متحد سازد، همزمان با تمامی تاروپودش آگاه تر، اندیشمندتر، ضد کار مزدی تر، چاره گتر، تواناتر و راه حل اندیش تر شود. اعتصاب ما یک شورای معترض است و شرایط لازم برای اتخاذ این رویکرد و بالیدن در این راستا را دارد. اگر این را بپذیریم و جدی گیریم آنگاه قبول خواهیم کرد که همین لحظه حاضر جمعیت وسیعی از طبقه ما در آستانه برپائی شوراهائی هستند که می توانند شوراهای استوار ضد سرمایه داری گردند. دقیق تر بگوئیم، این جمعیت وسیع بر سر یک دوراهی بسیار حساس و سرنوشت ساز ایستاده است. یک راه این است که مثل گذشته، بسان تمامی دوره های پیشین باز هم، صدتا، صدتا، خود را کارگر هفت تپه، هپکو، فاز ۱۹، ایران خودرو، صدرا، پالایشگاه تهران، شهرداری کرمان، پتروشیمی کرمانشاه بخوانیم. اعتراض، قهر، عصیان خود را در کشمکش با مالکان جداگانه این مؤسسات خلاصه کنیم، کارگر این کارفرماها بودن و چانه زنی با آنها را صدر و ذیل هویت خویش سازیم، خواست خود را به افزایش بسیار

نازل مردها به عنوان علاج درد عاجل چند روزه محدود نمائیم، اعتصاب و پیکار جاری را به حربه ای برای تحقق موقتی این مطالبه تنزل دهیم، چند روزی ناله گرسنگی سر دهیم و نهایتاً به هر تکه نانی که جلویمان اندازند رضایت دهیم. این کاری است که در سطح جهان چندین قرن و در جهنم سرمایه داری ایران یک سده است که انجام داده ایم، حاصلش نیز همین وضعی است که داریم و نیازمند توضیح نمی باشد.

راه دوم، راهی نو و رهائی آفرین است. هر کدام خود را سلول زنده نیرومند، مبارز، معترض، توانا و در حال پیکار طبقه خویش، طبقه کارگر به حساب آریم، هویت خود را هویت طبقه خود، طبقه ای در حال جنگ علیه استثمار، ستم، سبعت سرمایه، در حال جنگ علیه گرسنگی، فلاکت، تبعیضات بشرستیزانه جنسیتی، آلودگیهای مرکزی زیست محیطی، کودک آزاری، آزادی کشی، فساد، فحشاء و کل سیه روزی های مولود سرمایه داری، در حال جنگ علیه اساس موجودیت نظام بردگی مزدی بینیم. بیرق پیکار طبقه خویش را به اهتزاز در آوریم. زیر این بیرق با تشخیص این گونه هویت و موقعیت انسانی، اجتماعی، طبقاتی خود، هر لحظه تقلای خویش را لحظه ای در سازمانی شورائی، سراسری و ضد سرمایه داری جنبش طبقه خود گردانیم. اعتصاب حی و حاضر را یک خیز مؤثر شورائی علیه سرمایه و حلقه آهنینی از زنجیره اعتصابات شورائی سایر همزنجیران به نظر آریم، با تمامی توان، درایت، آگاهی، چاره اندیشی و تدبیر، برای ماندگارسازی این شوراها، تحکیم و به هم پیوستن آنها، یکی شدنشان در یک جنبش سازمان یافته شورائی سرمایه ستیز تلاش کنیم. در هر گام شوراها را افزونتر، نیرومندتر، آگاه تر، سراسری تر و ضد کار مزدی تر سازیم. با قدرتی شورائی در مقابل طبقه سرمایه دار و دولتش صف آرائیم، قدرت شورائی سازمان یافته خود را علیه دشمن اعمال کنیم، با این قدرت خواست های هر چه عظیم تر را بر بورژوازی تحمیل نمائیم. نیرومندتر و نیرومند تر شویم، ماشین دولتی سرمایه را در هم بشکنیم، قدرت شورائی خود را مستقر و سرمایه داری را راهی گورستان تاریخ سازیم.

همزنجیران!

لحظات بسیار حساس و سرنوشت ساز حاضر را عمیقاً و با همه وجود، شعور و تدبیر خود درک کنیم. سرنوشت ساز بودن آنها را تعمق نمائیم، بر این نکته بسیار مهم درنگ کنیم که پویه پیکار روز ما می تواند و باید پروسه برپائی جنبش شورائی سرمایه ستیز ما گردد. خیز اعتصابی حاضر خود را گامی در برپائی شوراها سازیم. اعتصاب پالایشگاه، نیروگاه، خودروسازی، شهرداری، بیمارستان، پمپ بنزین، فولاد، پرتونگاری، اعتصاب جاری در ۶۱ مرکز مهم کار و تولید را شوراها ی ماندگار، مقاوم، آگاه و دارای نقشه شفاف پیکار کنیم. این شوراها راز جان خویش عزیزتر داریم و برای بالیدن و ارتقاء آنها به جنبش سراسری شورائی ضد سرمایه داری هر چه در توان داریم انجام دهیم.

به همزنجیران کارگر در سراسر ایران! (۲)



کارگران ضد سرمایه‌داری / تیرماه ۱۴۰۰



۱۰٪ میانگین آنچه هر کارگر ایرانی تولید و تحویل سرمایه می‌دهد کمتر می‌باشد. این نکته مهمی است که یکایک آحاد توده کارگر باید در نظر داشته باشند. ۱۲ میلیون تومان اگر چه در قیاس با مزد محقر روز چیزی به حساب می‌آید، اما:

اولاً- در قیاس با آنچه هر کدام ما تولید می‌کنیم قطره‌ای از دریاست.

ثانیاً- همین قطره اندک هم به سرعت در معرض فنا و ذوب شدن است.

این سرشت سرمایه است که هر ریال افزایش مزد ما را با بالا بردن فوری قیمت‌ها پاسخ می‌گوید و بسیار بیشتر از آن را از چنگ ما خارج می‌سازد. در نظر بیاوریم که قیمت بازار کالاها از سرمایه ثابت و متغیر به کار رفته در آنها به علاوه اضافه ارزش

ساعت، به ساعت شمار بیشتری از توده‌های کارگر گرسنه، عاصی، به ستوه آمده از فشار استثمار سرمایه‌داری به اعتصاب ملحق می‌گردند. تا همین لحظه حاضر کارگران بیش از ۷۰ مرکز کار و تولید در مهمترین حوزه‌های صنعتی دست از کار کشیده و اعلام اعتصاب کرده‌اند. دستمزد بالای ۱۲ میلیون تومان، پرداخت مطمئن مرزها در بیست و پنجم هر ماه، تضمین موثق پرداخت کامل مزد در صورت بیکاری و در تمامی مدت بیکار ماندن، تأمین فوری و کاملاً مطلوب ایمنی محیط کار، امحاء کامل تمامی قراردادهای موقت، در صدر خواست‌ها قرار دارد. مزد ماهانه ۱۲ میلیون تومان، حتی در همین دقایق موجود، مستقل از کاهش طوفانی آن در فردا و پس فردا زیر فشار گرانی‌های حتمی، در سختگیرانه‌ترین محاسبات هم از

تولید شده توسط ما تشکیل می شود. سرمایه دار افزایش مزد را افزایش هزینه تولید می بیند، آن را به قیمت بازار کالا منتقل و از ما پس می گیرد. اینکه در این فاصله بارآوری کار ما بیشتر، فشار استثمار سرمایه بسیار سهمگین تر و رود اضافه ارزش های سرمایه دار پرخروش تر می گردد مطلقاً دلیلی برای امتناع صاحب سرمایه یا بازار سرمایه داری از بالا بردن قیمتها نمی شود. این حکم قهری سرمایه در سراسر دنیا است. فرق جهنم سرمایه داری ایران با برخی جهنم های دیگر سرمایه آنست که در اینجا سرمایه داران و دوزخ بانان به جای بازپس گیری همان چند ریال افزایش مزد، سهم بیشتری از مزدها یا کار پرداخت شده ما را بازپس می گیرند و بر سود خود می افزایند. مزد بالای ۱۲ میلیون تومان مطلقاً یک خواست چشمگیر یا حداقل انتظار مطلوب کارگری نیست. ما باید و می توانیم خواستار پیوند زدن دستمزدها به حاصل کار و تولید سالانه خود گردیم. طرح افزایش مزد به این صورت در همان حال می تواند خیزی در راستای تدارک و آماده سازی شورائی ما برای تسلط بر سرنوشت کار، تولید و زندگی خود، خیزی مهم در طوفانی کردن سنگرهای افراشته پیکار علیه سرمایه داری یا کشاندن جنگ به میدان واقعی کارزار طبقاتی ضد سرمایه شود. به نکته مهم دیگری پردازیم.

با گسترش فزاینده و طغیان آمیز اعتصابات، طبقه سرمایه دار و دولتش به گونه کم سابقه ای، دچار وحشت شده اند. هر لحظه انسداد شریان تولید اضافه ارزش پتکی است که بر قلب سرمایه، بر وجود سرمایه دار، دولت‌مرد، نماینده فکری، روحانی، سپاهی، ارتشی، بسیجی و ولی فقیه سرمایه وارد می گردد. به همین دلیل ساده و بی نیاز از توضیح، به محض مشاهده گسترش موج وار اعتصاب ها، عمده و اگره نظم سرمایه داری به تکاپو افتادند تا در صفوف ما تفرقه اندازند. مقدم بر هر چیز عده ای اعتصاب شکن را سازماندهی و علیه ما وارد میدان کرده اند، همزمان فشار خود را هر چه سنگین تر بر لایه آسیب پذیرتر طبقه ما متمرکز نموده اند. کارگران گرسنه تر، بدون قرارداد، دارای قرارداد کوتاه مدت و سفید امضاء، آن عده از همزنجیران که از هیچ بضاعتی برای تهیه نان امروز و فردای فرزندان خود برخوردار نیستند را از همه سو در محاصره گرفته اند. سفاکانه می کوشند تا آنها را با رگبار ترس از اخراج، بیکاری و گرسنگی به ورطه تزلزل اندازند.

سرمایه داران و مزدوران و عمله قهر آنها به تمامی این جنایت ها دست یازیده و دقیقه به دقیقه بر ابعاد این توحش می افزایند. ادامه پیروزمند پیکار ما در گرو مقابله آگاهانه شورائی و سرمایه ستیز با این توطئه ها، شرارت ها و درندگی ها است. تشکیل هر چه گسترده تر شوراها، به هم پیوستن آحاد هر چه بیشتر و کثیرتر توده های طبقه ما در این شوراها، صف آرائی نیرومند شورائی در مقابل دشمن، مؤثرترین و برنده ترین سلاحی است که باید برای خنثی سازی شیادی های سبعانه طبقه سرمایه دار و دولتش به دوش گیریم و به قلب دشمن شلیک کنیم در شوراها هر چه محکم تر دست همدیگر را فشار می دهیم، آخرین لقمه نان خود را با هم تقسیم می کنیم، ترس ها را از یکدیگر دور و به همدگیر جرأت می بخشیم. بر شعور، شناخت و آگاهی هم می افزائیم، آگاهی، تدبیر و توان هر کدام ما قطره خروشان از دریای خروشنده آگاهی و قدرت همه ما، کل طبقه ما می گردد. شوراها سنگر جنگ، مدرسه و دانشگاه ما است. در شوراها از تمامی نیروهای بالای سر بی نیاز می شویم. بالانشینان، خود را ملزم به همنشینی، همفکری، مشورت، گفت و شنود برابر رفیقانه با ما می بینند، در غیر این صورت راه همدستی و همپیوندی با استثمارگران ددصفت سرمایه دار پیش می گیرند و ما را به حال خود رها می سازند. شوراها محل پالایش ما از ضعفها، کاستی ها، ظرفی است که در آن بسان آحاد یک طبقه، همدل، همراز، همپیوند، همسنگر، همرمز و شریک خورد و خوراک و معاش و پوشاک و همه چیز همدیگر می گردیم. همکوشی، همجوشی و همزمی ما در شوراها، تبدیل شدن شوراها به قدرت سازمان یافته ضد سرمایه داری به یکایک افراد توده ما قدرت تفویض می کند. بخش هائی از کارگران را که اهل دخیل بندی به قانون و دولت سرمایه هستند مانند معلمان، حتی محافظه کارانی که منافع حقیر قشری را عظیم و آرمان و اهداف عظیم طبقه را حقیر می پندارند، همه اینها را به سمت ما خواهد راند. برای تشکیل هر چه گسترده شوراها و برپائی جنبش نیرومند شورائی ضد سرمایه داری گام برداریم. با برداشتن هر گام در این راه، کل توطئه های کثیف دشمن در میان خود و برای شکاف اندازی در صفوف متحد طبقه خود را هم خنثی سازیم.

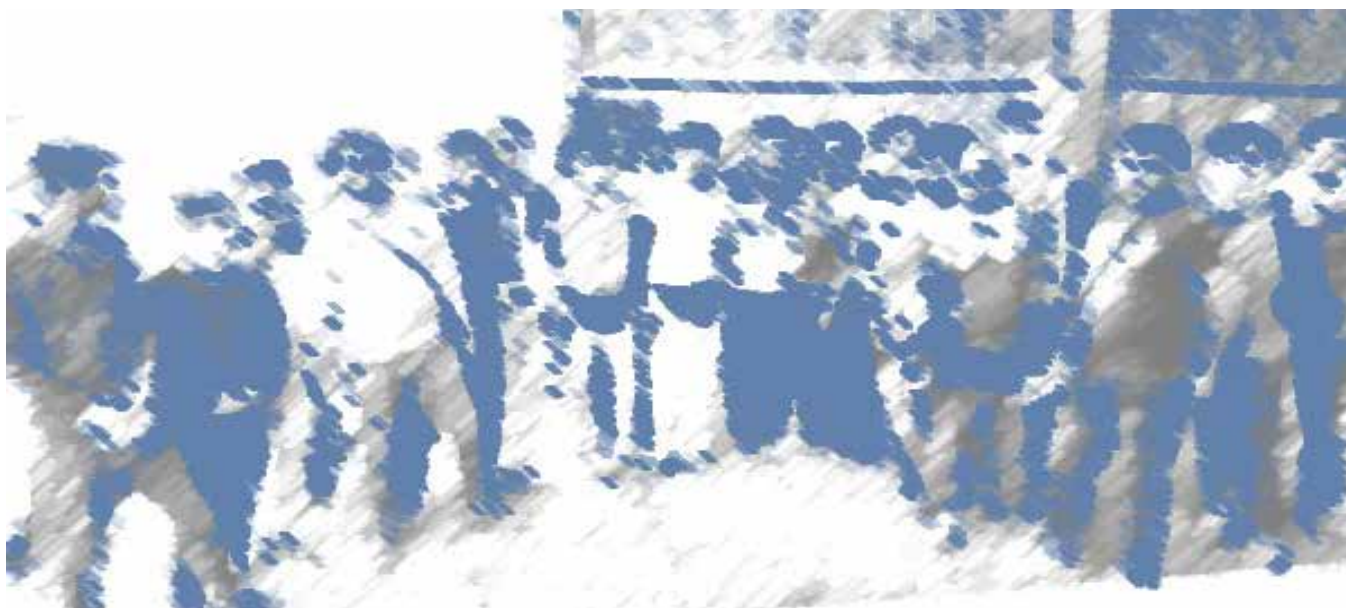


بالنده و استوار باد همسنگری شورائی سرمایه ستیز کارگران

نگاهی به بیانیه پنجم شورای اعتصاب کارگران پیمانی نفت



کارگران ضد سرمایه‌داری / تیرماه ۱۴۰۰



ها، سرکوبهای فکری، یأس آفرینی ها، مقاومت نموده و استوار پیش تاخته است. این درس مهمی است که باید سلاح پیکار ما شود. شورای اعتصاب در بیانیه پنجم، ضمن تأکید بر ادامه پیکار تا پیروزی و حصول کامل خواسته ها، در پاسخ به پیشنهادات نامعلوم سرمایه داران مقاطعه کار، به درستی و با هوشیاری بر علنی بودن کامل کل مذاکرات، قطعی و حتمی شدن پرداخت مرزها در هر ماه، در روز مقرر، اینکه کل کارگران اعتصابی بدون استثناء مشمول این حکم شوند، تدقیق شفاف سطح دستمزدها و میزان افزایش مرزها، بیست روز کار و ۱۰ روز مرخصی برای همه، بازگشت به کار همه افراد اخراجی، تضمین مطمئن اشتغال همه کارگران، درمان کاملاً رایگان، ایمنی موقت شرایط کار مبتنی بر استانداردهای مدرن در تمامی محیط های کار و تولید یا موارد دیگر اصرار ورزیده اند. همه اینها نشان از هشدار و آگاهی اعتصاب کنندگان دارد. بیانیه به زعم ما نکات بسیار مهمی را هم ناگفته رها کرده است. از جمله:

۱ - دفاع استوار، قاطع و خلل ناپذیر از حق یکایک کارگران اعتصابی و قفل کامل پایان اعتصاب به تضمین بدون هیچ قید و شرط تحقق همه مطالبات، برای کل ۳۰ هزار کارگر دخیل در اعتصاب، اساسی ترین و حیاتی ترین معیاری است که شورای اعتصاب باید به آن وفاداری محض

بیانیه پنجم «شورای سازماندهی اعتصاب کارگران پیمانی» مثل سایر بیانیه های آنها از عزمی راسخ برای ادامه اعتصاب خبر می دهد. ما به عنوان آحادی از طبقه کارگر، ضد هر نوع نسخه نویسی حزبی، فرقه ای و از بالای سر برای توده همزنجیر، دستاوردهای تا کنونی مبارزات کارگران را با همه وجود ارج می گزاییم. این اعتصاب مثل زنجیره عظیم اعتصابات طبقه کارگر ایران در طول تاریخ، یک بار دیگر این درس سترگ مبارزه طبقاتی را پرطنین نمود که برای راه اندازی پرخروش ترین و گسترده ترین، خیزش ها، برای اعمال قدرت رادیکال علیه سرمایه می توان و باید بساط دخیل بندی به قانون، آویختن به حزب قیم یا انحلال قدرت پیکار در باتلاق سندیکاسازی را کنار نهاد. جنبش ما در هویت خود شورائی و سرمایه ستیز است. باید این شورائی و ضد سرمایه داری بودن را رشد داد، آگاهی بخشید، نیرومند نمود و تجلی میدان داری یک قدرت پرخروش ضد کار مزدی و سازنده تاریخ آتی کرد. اعتصاب حاضر تبلور شفاف طغیان شورائی توان پیکار ما علیه شدت استثمار سرمایه است. تصویر زنده دخالت مؤثر آحاد همزنجیران و اثرگذاری فعال آنها در پیشبرد مبارزه است. این خیزش اعتراضی با اتکاء به دخالتگری خلاق جمعی و همپیوندی ریشه دار شورائی، در مقابل تمامی تهدیدات، توطئه

نشان دهد. تا لحظه حاضر بالغ بر ۹۰ مرکز کار ضمن اعلام همراهی و همسنگری با کارگران پیمانی شرکت نفت دست از کار کشیده و چرخه تولید را از چرخش باز داشته اند. در برخی از این مراکز شمار کارگران معدود و از تعداد انگشتان دو دست حتی یک دست کمتر است. وحوش سرمایه دار بدون هیچ تردید تمامی توان خود را به کار می گیرند تا قبول احتمالی همه یا برخی مطالبات را به جمعیت هر چه کمتری محدود کنند و خیل هر چه بیشتری از ۳۰ هزار کارگر اعتصابی را از دایره شمول «توافق» خارج سازند. هر نوع و هر میزان تن دادن به این خواست جنایتکارانه سرمایه داران، حتی خواست مستثنی ساختن یک کارگر از حاصل احتمالی پیکار، نه فقط مبین شکست کامل اعتصاب که ضربه ای بسیار سهمگین بر پیکر هر اعتصاب و خیزش و مبارزه متحد توده کارگر در آینده خواهد بود. ۳۰ هزار کارگر همزنجر دست در دست هم، همپیوند، همصدا و همسنگر با طرح خواست های مشترک وارد اعتصاب شده اند. مطالبات واحد است. پایان اعتصاب باید محصول همدلی جمعی، متضمن تحمیل کل خواست ها بر صاحبان سرمایه و برخورداری تام و تمام یکایک کارگران از این خواسته ها باشد. هیچ چیز موحد تر از آن نیست که تعدادی ولو یک کارگر از دایره حصول خواسته های اعلام شده بیرون ماند. بیانیه ۵ شورای اعتصاب در در عین تأکید بر سراسری بودن اعتصاب و لزوم تداوم همزمزی کل اعتصاب کنندگان تا تحقق همه مطالبات این نکته را به اندازه کافی تصریح نکرده است. انتظار آنست که این کمبود برطرف و این ابهام منتفی گردد.

۲. سرمایه داران به تمامی دستاویزها، نیرنگ ها، توطئه ها و زرادخانه های عظیم قدرت اقتصادی، سیاسی، نظامی و پلیسی متوسل خواهند شد تا عده ای از پیوستگان به اعتصاب، به ویژه کارگران ساده را نه فقط از دایره حصول خواستهها بیرون اندازند بلکه حتی اخراج نموده و از ادامه اشتغال باز دارند. هر نوع اقدام در جهت قبول ختم اعتصاب بدون تضمین موثق و قاطع تحقق مطالبات این کارگران یا ادامه مسلم اشتغال آنها باز هم شکست فاجعه آمیز اعتصاب و پیروزی صاحبان سرمایه در شکستن صفوف متحد پیکار توده کارگر خواهد بود. انتظار به حق ما از شورای اعتصاب آنست که در این مورد نیز با صراحت لازم سخن راند.

۳- شورای اعتصاب در نخستین بیانیه خود، ولو نه چندان صریح اعتصاب و مطالباتش را امر خاص کارگران پیمانی نفت می دید. از اینکه اعتصاب کنندگان را جزئی از طبقه کارگر و خواست های آنان را خواست های کل کارگران نامد، دریغ داشت. کارگران پیمانی در حال اعتصاب را از سایر همزنجران متمایز می ساخت. از کل آحاد طبقه طلب پشتیبانی نمی نمود و دعوت به مبارزه متحد همه کارگران را دستور روز خود نمی دید. موضوعی که حلقه سست بیانیه محسوب می شد و جای انتقاد فراوان داشت. شورا در پیامهای بعدی خود گام به گام از این ضعف کاست و بر بار طبقاتی جهتگیری های خود افزود. پیداست که اعلام همبستگی

و پیوستن عملی خیل وسیع کارگران حوزه های دیگر به اعتصاب در تسریع و تقویت این جهتگیری نقش بازی می کرد. نکته اساسی در این گذر آنست که شورا با آنکه در بیانیه های بعدی کم یا بیش بر بار طبقاتی پیام های خود افزود، با آنکه از مزد ۱۲ میلیونی برای همه کارگران سخن گفت اما باز هم تلاش چندانی برای توسعه پیکار جاری کارگران پیمانی به خیزش اعتصابی، اعتراضی سراسری توده های کارگر علیه فشار انفجارآمیز استثمار سرمایه و کل مصیبت ها و سیه روزی های مولود سرمایه داری به عمل نیاورد. این چیزی است که همچنان پاشنه آشیل اعتصاب جاری را تعیین می کند. بسیار حیاتی است که کارگران اعتصابی و شورای سازماندهی اعتراضات با عزمی راسخ تر و اراده ای مصمم تر و پرخروش تر دست همپیوندی به سوی کل توده همزنجر دراز کند. خواست ها را خواست همه کارگران خواند. به عنوان ستادی رزمنده از کل قوای طبقه کارگر سخن راند و در سازمانیابی شورای سراسری ضد سرمایه داری طبقه کارگر با تمامی توان ایفای نقش کند.

۴- رسم تا کنونی کل اعتصابات، اعتراضات و خیزش های ما کارگران در جهنم سرمایه داری ایران آن بوده است که اعتصاب کنیم تا خواست حی و حاضر خود را محقق سازیم!! در همین راستا پیروزی یا شکست هر اعتصاب و خیزش نقطه پایانی بر کارزار روز ما می گردیده است!! این فاجعه سترگی است که باید آن را پایان داد. هر اعتصاب هر عده از ما در هر کجای این جهنم، هر میزان همپیوندی هر بخش ما در این اعتصابات، هر پیروزی یا شکست ما، تجارب این موفقیت ها یا شکست ها، همه و همه باید ملاط و مصالح مورد نیاز برای گذاشتن سنگی بر روی سنگ در معماری بنای محکم و آباد جنبش سازمان یافته شورای ضد سرمایه داری ما شود. اعتصاب، مستقل از پیروزی یا شکست نباید پایان یافته تلقی گردد. همین الان بیش از ۳۰ هزار کارگر در این کارزار مشترک حضور دارند. همسنگری و همزمزی این ۳۰ هزار باید ببالد، شاخ و برگ کشد، محکم و محکم تر شود، بسان سلول زنده ای از پیکر واحد طبقه کارگر دست به کار بخشیدن حیات و قدرت به کل جنبش جاری ما شود، هر چه در توان دارد برای سازمانیابی شورای سراسری همزنجران به کار گیرد. هر گام که کارگران پیمانی نفت در این گذر بردارند، به طور قطع بیان آشکار خیزشی نوین برای پایان دادن به وضع روز جنبش کارگری خواهد بود. روزی که به هر دلیل، پیروز یا مقهور این اعتصاب تمام شود باید روز اعلام همزمان عزم استوار و ارده آهنین تمامی اعتصاب کنندگان برای بسط بدون هیچ انتهای همدلی و همپیوندی خویش به همزمزی و همسنگری شورای و سراسری کل توده های طبقه کارگر گردد. باید اعلام کنیم که ما با قدرت نازل ۳۰ هزار نفری خویش تا اینجا پیش تاختیم و این خواست ها را محقق کردیم، بی وقفه و بدون هیچ تعطیل خواهیم کوشید تا یک جنبش سراسری شورای سرمایه ستیز در جهنم سرمایه داری ایران و در کل دنیا گردیم.



مطلب کوتاه زیر از سوی یک رفیق کارگر ارسال شده است. ما عین متن را درج می کنیم.

قطعا دارد) دستمزد من هم افزایش می یابد بنابراین همگی باید در کنار کارگران صنعت نفت ایستاده و خواست مشترکمان را درخواست کنیم، مهم نیست کجا کار می کنیم!

دریافتی ماهانه مان چقدر است!

چقدر زیر خط فقر زندگی می کنیم!

کادر آموزشی، کادر درمان، کارمندان، بازنشستگان و ... همگی در این صف جای داریم

بلکه مهم پرچم مشترکی ست که ما ۹۹٪ علیه تبعیض و فقر ... باید حول آن جمع شویم و نگذاریم آن ۱٪ بیشتر از این بهره بهره بردار رنج و زحمتان باشد ما باید در این جدال تاریخی در کنار بقیه حقوق بگیران این خواست را فریاد بزنیم.

درود بر شرف کارگران صنعت نفت و بقیه زحمتکشان و مزدبگیران

بخش عظیمی از حقوق بگیران برای تامین حداقل های زندگی سالها، ماهها و روزهاست که فریاد می زنند و مطالبه حداقل حقوق (۱۲ میلیون تومان) را دارند. و این خواست میلیونی روز به روز بیشتر به محوری مشترک تبدیل می شود.

نمایندگان شورای عالی کار اعتراف می کنند و اذعان دارند که حقوق دریافتی فعلی یک سوم خط فقر است.

نمایندگانی که بریز و بپاش های خانواده و اطرافیانشان از قیل رانت های فراوان غسل های سخت و عمیق طبقاتی را بیشتر نمایان می کند(نمونه و مثال فراوان است و اندوه و خشم و نفرت فراوانتر)

حداقل حقوق مزد بگیران دستمزد و حقوق بسیاری را تعیین می کند. به قول کتابداری از دانشگاه تهران که می گفت نمی توانم بگویم این مبارزه به من ربطی ندارد چون اگر این مبارزه دستاوردی داشته باشد(که

ملاحظات ما:

ارزش ها «انفال الهی» و «غنیمت های خدادادی» هستند. کارگران باید با درایت و آگاهی طبقاتی، از کاربرد این نوع کلمات با تعبیر رایج بورژوازی آن دوری جویند.

۲- اصطلاح ۹۹ درصدی ها و یک درصدی ها هم عبارت فریبکارانه و تحمیق آمیزی است که متفکران نیرنگ باز بورژوازی به کار می گیرند تا از طریق آن توده کارگر را شستشوی مغزی دهند. آنها می کوشند تا بر روی رابطه خرید و فروش نیروی کار یا کار مزدی به عنوان شالوده وجود سرمایه داری و سرچشمه

۱- «رانت» در هر شکل، در عصر سرمایه داری هیچ چیز سوای اضافه ارزش های تولید شده توسط طبقه کارگر نیست. اقتصاددانان، سیاستگذاران و نمایندگان فکری ضد کارگر نظام سرمایه داری از این واژه برای پرده اندازی کامل بر روی منشأ واقعی ارزش ها و اضافه ارزش های تولید شده سوء استفاده می کنند. آنان بسیار فریبکارانه «رانت»، «رانت» می کنند تا سرچشمه آن را که کار پرداخت نشده توده کارگر است از نظرها دور سازند. شیادانه القاء می کنند که گویا این ارزش ها و اضافه

واقعی استثمار و سیه روزی های کارگران دنیا، بر روی وجود دو طبقه کارگر و سرمایه دار به عنوان طبقات اساسی جامعه و جهان موجود، بر روی اساس انفصال طبقه کارگر از تعیین سرنوشت کار، تولید و زندگی خود، بر روی مبارزه طبقاتی ضد سرمایه داری کارگران، بر روی این حقیقت محض که دولت و کل ساختار حقوقی، سیاسی، مدنی، فرهنگی، اخلاقی و همه چیز جهان موجود اشکال مختلف تشخص اجتماعی سرمایه هستند پرده ساتر کشند. همه و همه را در این خلاصه کنند که «توزیع ثروت ها ناعادلانه است و باید عادلانه شود». این کار را هم باید از طریق موعظه و اندرز و مبارزه مدنی و قانونی انجام داد!!! باید از دولتها

و سرمایه داران خواهش کرد تا عدالت را اجرا و سراسر جهان را مهد عدل و داد کنند!!! فلسفه کاربرد عمیقا فریبکارانه عبارت ۹۹ درصدی و یک درصدی این است که کارگران ریشه فقر و فلاکت و گرسنگی و بیخانامانی و گورخوابی و تبعیضات بشرستیزانه جنسی و آلودگی های مرگزای زیست محیطی را را در وجود سرمایه نبینند. سرمایه را مطهر و منزه پندارند، از مبارزه علیه سرمایه داری دست بردارند و به جای آن فقط عدالت، عدالت گویند!!! کارگران باید از غلطیدن به دام این توهم پردازی ها و شستشوی مغزی های برنامه ریزی شده اندیشمندان بداندیش سرمایه پرهیز کنند.

نامه ای دیگر از رفیق کارگری دیگر / ما عین متن را درج می کنیم.

کارگران در فقر؛ میلیونرهای ایرانی رکورد جهانی زدند!

امروز در ایران همه خبرهای اعتصاب کارگران نفت را شنیده اند. خبر این اعتصاب به گوش بسیاری در گوشه و کنار جهان هم رسیده است. کارگران پروژه ای در ایران مثل کل طبقه ی کارگر ایران برای گرسنه نماندن و علیه فقر می جنگند. حقوق های شان با میزان حداقل استانداردهای زندگی در ایران میلیونها تومان تفاوت دارد. در بحبوحه ی این اعتصاب و ده ها اعتصاب کارگری دیگر

که با هدف های مشابهی امروز در سرتاسر ایران در جریان است، موسسه مطالعاتی «کپ جمنای» گزارشی منتشر کرده است که نشان می دهد، تعداد میلیونرهای ایرانی در سال ۲۰۲۰ میلادی رکورد زده و به ۲۵۰ هزار نفر و نرخ رشد ثروت آن ها به بیش از ۲۴.۳ درصد رسیده و ثروتمندان ایرانی در سال گذشته رکورد جهش ثروت در سرتاسر جهان را شکسته اند.

ملاحظات ما:

- ۵- اینها فقط صاحبان سرمایه نیستند بلکه طبقه مسلط بر سرنوشت کار و تولید و زندگی توده های کارگرند.
- ۶- مشکل کارگران اضافه شدن شمار میلیونرها نیست بلکه وجود نظام اختاپوسی سرمایه داری است. شیوه تولید و مناسباتی که بنیاد آن بر جدائی کارگر از کار و ساقط بودن کامل وی از هر گونه دخالت در تعیین سرنوشت کار، تولید و زندگی خویش است. مناسبات و جامعه ای که انسان ها را در یک سو بردگان مزدی مقهور و مغلوک می کند و در سوی دیگر سرمایه دار می سازد.
- ۷- و

- کاش رفیق عزیز همزنجیر ما اضافه می نمود که:
- ۱- افراد مورد اشاره رفیق ما و مؤسسه آمارگیری مورد اشاره اش نه میلیونر که اولترا میلیاردر هستند.
 - ۲- هویت، اسم و نشانی واقعی آنها نه میلیونر که سرمایه داران و طبقه سرمایه دار است.
 - ۳- تعدادشان در ایران نه ۲۵۰ هزار که کل یک طبقه اجتماعی است و آمار جمعیتی اش با چشم پوشی از افراد خانواده باز هم سر به چندین میلیون می زند.
 - ۴- کل دارو ندار این وحوش سرمایه دار، اضافه ارزش های تولید شده توسط طبقه کارگر است.



این گزارش با همین نام (گزارشی از قلب اعتصاب) در شبکه های اجتماعی منتشر شده است. //



زمان دارند که فارغ از رنج سرمایه در اختیار خودشان باشند. - حالا تمام این شرایط غیرانسانی را در نظر بگیرید و این را بدانید که وضع ما صد پله از کارگرهای بیل و کلنگی روزمزد بلوچستانی بهتر است. آنها اصلا هیچ حق و حقوقی ندارند. نه بیمه دارند. نه سرویس رفت و برگشت. نه خوابگاه و نه هیچ امکانات دیگری. هم مورد ستم سیستماتیک (کارفرما و پیمانکاران) هستند و هم مورد ستم قومیتی و نژادی توسط نیروهای دیگر. فقط یک حقوق روزمزد ۲۷۰ هزار تومانی به آنها می دهند که باید با همین پول در گروه های چند نفره خانه اجاره کنند و سرویس بگیرند و غذا هم درست کنند. برده های دوران برده داری هم وضعیت شان از کارگرهای روزمزد بلوچستانی شاغل در مناطق گازی پارس جنوبی بهتر بود.

- نکته آخر در مورد اعتصابات اینکه ما تصمیم گرفتیم عجلتا اعتراض و تجمع خیابانی در هیچ نقطه ای از کشور نداشته باشیم که نتوانند به سرعت وارد فاز سرکوب شوند.

- تفاوت بزرگ اعتصاب امسال مشارکت بالای نود درصدی نیروهای دفتر فنی، کنترل کیفیت "QC"، نقشه بردار، مکانیکال، متریکال، کارگران گروه رادیوگرافی با نیروهای اجرایی است. مشارکت گسترده این نیروها قوت قلب بیشتری به نیروهای اجرایی داد که اعتصاب را تا رسیدن به خواسته ها دنبال کنند و نکته مهم این که امسال ۱۰۰٪ نیروهای اجرایی در این اعتصابات شرکت کرده اند. ۱۰۰٪ نیروهای اجرایی یعنی نیروهای بخش های فیتزر، جوشکار، سوپروایزر، برشکار، راننده جرثقیل، قالب بند، آرماتوربند، ریگر، سند بلاست کار، مونتاژکار، داربست بند، نصاب، برق کار، نگهبان، انباردار. و به این ترتیب میزان مشارکت اعتصابیون از ۲ هزار نفر در سال پیش به بیش از ۳۰ هزار نفر رسیده است.

- چرخه ی برده وار کار روزانه مدام تکرار می شود. یعنی نیروها شبها ساعت هشت و نیم تا ۹ از حمام کردن و لباس شستن و شام خوردن فارغ می شوند و فقط و فقط یک ساعت

مروری در اطلاعیه «شورای سازماندهی

اعتراضات کارگران پیمانی نفت»

کارگران ضد سرمایه داری / تیرماه ۱۴۰۰



تحقق خواست ها را به نمایش قدرت و تعطیل چرخه کار و تولید محول می سازد. از همه اینها مهمتر تصریح می کند که پروسه تدارک، هدایت، انجام و همه امور مربوط به این خیزش، با مشورت، همدلی، همفکری یا در واقع شورائی، پیش خواهد رفت. همه اینها بی شک وجوه قوت هستند، شایسته ارجزاری می باشند. برای سایر همزنجیران درس آموز و آگاهگرانه اند. اطلاعیه اما حلقه های کاملا سست و پاشنه آشیل های مخرب هم دارد که اهم آن ها به شرح زیرند.

۱- رفیقان کارگر ما در بخش پیمانی شرکت نفت، خواسته و حساب شده، یا مساهله آمیز و تسامحی - به زعم ما حتما دومی - خود را و همکاران نفتی خود را از

اطلاعیه حاوی بسیاری نقطه قوتها است. نوعی همجوشی، همپیوندی برای راه اندازی یک اعتراض نسبتا وسیع کارگری را متجلی می سازد. اعتصاب مصمم و استوار کارگران شرکت «فراب» در نیروگاه «بیدخون» با انتشار طرح موسوم به «بیست - ده» و خواست افزایش دستمزد را حلقه آغاز در زنجیره اعتصاب ها و اعتراضات قریب الوقوع می خواند، تعویق پرداخت مزدها را جنایت تلقی می کند، مزد کمتر از ۱۲ میلیون تومان در ماه را غیرقابل تحمل اعلام می نماید. فشار سرکوب و اعمال قهر امنیتی، پلیسی در محیط کار را آماج اعتراض می گیرد، بر همبستگی و اتحاد بخش های به اصطلاح رسمی و پیمانی توده کارگر در مقابل وحوش سرمایه دار و دولت سرمایه اصرار می ورزد،

همزنجیران دیگر، از دهها میلیون نفوس توده های طبقه خود جدا می کنند. هر جمله اطلاعیه را با کارگر نفت شروع و با همان نام به پایان می رسانند. طوری سخن می رانند که گویا مزدهای محقر هول انگیز، شرایط کار مرگ آور، فقدان فاجعه بار ایمنی محیط کار، فشار سهمگین استثمار و دنیای بدبختی های دیگر، نه پدیده سراسری و همه شمول زندگی کل کارگران بلکه ویژه چند ده هزار کارگر نفت می باشد. رفقا می گویند:

«صنعت نفت یک بخش بزرگ سودآور جامعه است. باید مراکز کاری ما امن باشد و با بالاترین استانداردهای محیط زیستی مجهز باشد. باید در صنعت نفت بودجه کافی برای امن شدن محیطهای کار و تجهیز مراکز کاری به امکانات سرمایشی و گرمایشی مورد نیاز و دستگاههای تهویه هوا به میزان مورد نیاز، بالا بردن استاندارد بهداشتی در خوابگاهها و اماکن عمومی چون دستشویی ها و حمام و ... اختصاص داده شود.»

کارگران نفت باید هزاران بار بیش از آنچه خود مطرح نموده اند از امکانات ایمنی، رفاهی، معیشتی، اجتماعی برخوردار گردند، اساسا باید از شر کارگر و برده مزدن بودن برای همیشه رها شوند. باید حتما چنین گردد، اما سؤال اساسی آنست که چرا مزد ماهانه بالای ۱۲ میلیون تومان، شرایط کار بهتر یا امکانات ایمنی محیط کار فقط برای کارگر نفت مطالبه می شود، چرا برای کل توده های کارگر طرح نمی گردد؟؟؟ چرا کارگر نفت خود را صرفا کارگر نفت قلمداد می کند، چرا جزء اندکی از یک طبقه عظیم اجتماعی و بین المللی نمی بیند. حتما خواهید گفت که بالاخره ما شاغل شرکت نفت هستیم، مشکلات خود را داریم، برای رفع این مشکلها مبارزه می کنیم!! نماینده کارگران دیگر نیستیم و سخن گفتن از جانب آنان را حق خود نمی دانیم!!

معضل بنیادی کار دقیقا در همین جا قرار دارد. محکم تر بگوئیم، یک فاجعه دامنگیر طبقه ما در سراسر دنیا همین پندار بی بنیان است. ما هویت خود را با اسم و رسم، مالکیت، ماشین آلات و جواز کسب صاحب سرمایه تعریف می کنیم!! مسخ و متحجر، با قوای دماغی شستشو شده، بدون اینکه بیاندیشیم، سرافراز و سربلند فریاد می زنیم که کارگر شرکت نفت، هفت تپه، فرآب، آذراب، فولاد یا فلان صنعت هستیم!! بر روی وجود خود به عنوان آحادی از طبقه کارگر، طبقه آماج فشار خرد کننده و کوبنده استثمار دهشتناک سرمایه، اسیر حاکمیت بربریت منشانه سرمایه داری، در حال پیکار علیه استثمار، ستم، جنایت و بشرستیزی سرمایه، بر روی موجودت و هویت طبقاتی خویش به طور کامل خط می کشیم، آن را نفی می کنیم، بمباران می کنیم، کاتولیک تر از پاپ آنچه سرمایه می خواهد و آرزو دارد را انجام می دهیم!! اگر این کار را نمی کردیم، آنگاه به عنوان جزئی

از طبقه کارگر در مقابل سرمایه دار، دولت سرمایه و صف سرمایه داران ظاهر می گردیدیم، خواست روز خود را خواست همه توده های کارگر می دیدیم، اعتراض خویش را اعتراض میلیونها و شاید میلیاردها کارگر تلقی می کردیم. آنگاه خود را گردانی از ارتش نیرومند پرولتاریا و محل کارمان را سنگری از سنگرهای به هم پیوسته پیکار طبقاتی علیه اساس هستی سرمایه داری می یافتیم، ما این کار را نکرده و نمی کنیم، اقدامی که در کنار سایر بی راهه رفتن ها ما را اسیر وضعیت بسیار فاجعه بار موجود ساخته است.

شما به گونه ای بسیار نادرست می گوئید: «صنعت نفت یک بخش بزرگ و سودآور است و بر همین مبنی حق ماست که مزد مکفی و شرایط کار مناسب داشته باشیم» (نقل به مضمون) مگر سایر حوزه های کار و تولید سرمایه داری سودآور نیستند؟؟!! مگر آنها کمتر از شما استثمار می شوند؟؟!! کمتر از شما فرسوده و هلاک می گردند؟؟!! کمتر از شما بر سرمایه کفتاران درنده سرمایه دار می افزایشند؟ مگر مزد کارگران باید تابع ویژگی های انباشت و میزان سوددهی سرمایه باشد؟؟!! این حرف را وحوش سرمایه دار هم با این زمختی تحویل کارگران نمی دهند!! مزد قطره ناچیزی از رود پرخروش ارزش ها و اضافه ارزشهایی است که طبقه کارگر تولید می کند. شما به جای آنکه در جایگاه گردانی از طبقه خود خواستار خارج سازی کل حاصل کار و تولید طبقه خویش از چنگال سرمایه باشید، حد و حدود مزدها را به طول و عرض سود صاحبان سرمایه ارجاع می دهید!!

۲- نوع نگاه سندیکالیستی و سرمایه مدار بالا باعث گردیده است که کارگران مبارز دست به کار تدارک اعتصاب ها، هیچ نیازی به هیچ تلاش برای جلب حمایت و همبستگی همزنجیران خویش در هیچ کجای دیگر هم احساس ننمایند. این نیز مصیبت دیگری است که جنبش طبقه ما را همه جا در کلاف خود زمینگیر کرده و به بن بست کشانده است. کارگران هفت تپه ۴۰ سال است به طور مستمر با سرمایه داران و دولت سرمایه در جنگند. آنان در این ۴۰ سال هیچ گاه به طبقه خود نگاه نکردند. در بهترین حالت، زمانی که چهاردیواری شرکت را پشت سر نهادند، خود را به مرکز شهر شوش رساندند، از این حد فراتر نرفتند، کارگران بیش از ۲۰ واحد بزرگ و متوسط صنعتی به حمایت از آنها برخاستند، اما سوای تشکر کاغذی پاسخی نشنیدند. ۴۰ سال به دور خود چرخیدند، قدمی به سوی همزنجیران خویش در هیچ کارخانه، مدرسه، بیمارستان و مؤسسه ای بر نداشتند. عین همین کار را صد سال است که کل کارگران ایران و چند میلیارد کارگر دنیا انجام می دهند. این چند میلیارد هر روز، در همه شهرها و کشورها در حال اعتصاب، مبارزه، اعتراض هستند،

همگی از فشار استثمار سرمایه به ستوه آمده اند، از سرکوبها، ستمها و کشتارهای سرمایه در طغیانند. دردها، یکی است، رنجها یکی است. سرچشمه کل مصیبتها سرمایه است. اما هیچ جزء این چند میلیارد حاضر به شروع هیچ تلاشی برای همصدائی، همزمی، همسنگری متحد ضد بردگی مزدی نمی باشد. هیچ بخش این چند میلیارد تقلا برای تبدیل توانائیهای گسیخته و ظرفیت های متشتت، علیل، بی تأثیر خود، به یک قدرت سازمان یافته شورائی، سراسری و سرمایه ستیز را دستور کار خود نمی کنند.

رفقای ما در شورای سازماندهی اعتراضات کارگران پیمانی نفت نیز بدبختانه همین راه را می روند و همین رویکرد نادرست بدفرجام رادنبال می نمایند. دقیقاً در همین لحظه حاضر کارگران شمار کثیری از مراکز و کار تولید در سراسر کشور، در حال اعتصاب هستند و یا در آستانه آغاز اعتصاب قرار دارند. طوفان پیکار توده کارگر که همواره و همه جا در حال وزیدن است امروز باز هم با غرش بیشتری می توفد. **کارگران شرکت لیدوما در فاز ۱۳ عسلویه، شرکت پایندان ساتراپ در میدان گازی پارس جنوبی، کارگران پروژه ای شرکت ای جی سی در پالایشگاه آبادان، فاز ۱۴ شرکت اورا صنعت، پتروشیمی صدف جهان پارس در میدان گازی عسلویه، کارگران فاز ۱۴ پیمانکاری حاجی پور در جهان پارس، پیمانکاری سازآباد در بیدبلند بهبهان، فاز اختر ۱۳ عسلویه، کارگران شرکت کیسون در پتروشیمی دنا، پتروشیمی گچساران، پیمانکاری سلحشور، پالایشگاه نفت تهران، پالایشگاه تندگویان، پتروشیمی عمران صنعت در عسلویه، شرکت پایندان، پالایش سنا در قشم، اورهال در پالایشگاه نفت تهران، پالایشگاه آدیش جنوبی، شرکت زیتون، کارگران عملیات دریائی پایانه های نفتی ایران در خارک و خیلی کارخانه ها یا مؤسسات دیگر، همگی همزمان در حال اعتصاب به سر می برند.** تمامی این کارگران برای دستمزد افزونتر، حصول مزدهای معوقه، بهبود شرایط معاش و کار دست به اعتراض زده و چرخه تولید را متوقف نموده اند. در یک کلام جمعیت وسیعی از طبقه ما همزمان، با مطالبات واحد علیه دشمن مشترک در حال کارزار هستند، اما هیچ کدام و هیچ جزء دست به کار تقلا برای همصدائی، همپیوندی، همسوئی و همسنگری نیرومند سراسری و طبقاتی نمی گردند. هر چند نفر خود را مملوک این یا آن مالک سرمایه دار می بینیم، از

او انتظار مزد بیشتر داریم، میدان مبارزه را چهاردیواری کارگاه محل کار خود می پنداریم، قدرت خود را در همبستگی چند ده نفری یا چند صد نفری خویش خلاصه می کنیم، بر روی موجودیت و ظرفیت عظیم طبقاتی خویش خط می کشیم، حاضر به تلاش برای سازمانیابی سراسری و شورائی قدرت پیکار طبقاتی خود نیستیم. این یک فاجعه بزرگ و یک راز مهم سقوط ما به وضعیت تباہ موجود است.

رفقای عزیز همزنجیر در شورای سازماندهی اعتصابات کارگران پیمانی نفت!

شما همان گونه که در آغاز آوردیم، به رغم حمل پاشنه آشیل های بالا، کاری بسیار سترگ، رادیکال، امیدوارکننده و درس آموز را آغاز کرده اید. در سیاهی زار تشتت مستولی بر جنبش ما بیریق نوعی همجوشی و همپیوندی طبقاتی را ولو در فاصله حصارهای شرکت نفت برافراشته اید، شاید برای اولین بار راه مبارزه ای نقشه مند را هرچند محصور در چهاردیواری نوع کار، پیش گرفته اید. اگر از سرنوشت کار و تولید خویش سخن نرانده اید اما خواستار تکافوی مزد برای امرار معاش شده اید. مصادره دستمزدهای خود را جنایت سرمایه دار و دولت سرمایه خوانده اید. بر اتحاد کارگر پیمانی و رسمی و کارگران حوزه های مختلف نفت اصرار ورزیده اید. بر تحصن و بست نشینی شرم آور در مقابل نهادهای دولتی یا ارگ قدرت سرمایه داران مهر باطل کوبیده اید. شما این گام های مهم را به جلو برداشته اید، پیشنهاد صمیمانه ما آنست که حلقه های سست کار را هم خرد نموده و دور افکنید! از محدوده شرکت نفت پا فرا گذارید. به سوی تمامی آحاد و توده های طبقه خود بشتابید، با همه همزنجیران، به ویژه صدها هزار کارگر در حال اعتراض، اعتصاب و پیکار وارد گفتگو شوید. صدای خویش را در هم آمیزید، به عنوان یک طبقه در مقابل طبقه سرمایه دار قد افرازید و صف بندید. گفت و شنوهای شورائی خود را در شریان هستی جنبش سراسری طبقه خود جاری و توفانی سازید، برپائی یک جنبش نیرومند شورائی ضد سرمایه داری را دستور روز مبارزه خود کنید. این کار را حتما ادامه دهید، موقتی و زودگذر نبینید، دست در دست هم گذاریم و این همراهی ها، همزمی ها و همسنگری ها را توسعه دهیم، قوام بخشیم، آهنین و خلل ناپذیر سازیم. ما کارگران در سراسر جهان هیچ چاره دیگری نداریم. این تنها راه رهائی ما و رهائی کل بشر از شر وجود سرمایه داری است.



قتل عام کارگران درمان (متن تکمیلی ۲۲)



کارگران ضد سرمایه داری / تیرماه ۱۴۰۰



شاق دهند و خطر مرگ را به جان خرند. در چنین وضعی کارگران بخش درمان از همان آغاز با اراده ای استوار، عزمی راسخ، عظیم ترین فداکاری ها، تحقیر مرگ و تکریم شرف انسانی به پا خاستند تا در میان آتش و خون آفریده سبعت ها و جنایت آفرینی های سرمایه داری و فاشیسم اسلامی سرمایه، از جان همزنجیران خویش دفاع کنند. آن ها در این گذر دست به پرشکوه ترین ایثارگری ها زدند، از جان خویش گذشتند تا پاسدار جان انسان ها باشند. کشته ها دادند تا دیگران را از مرگ برهاند. شمار واقعی جان باختگان این بخش طبقه کارگر مسلما از هزار افزون است. آنچه ما در اینجا در بیست و دومین متن تکمیلی آمار کشتگان (بین ۱۶ اردیبهشت تا ۱۶ تیر ۱۴۰۰)، (اطلاعات قبل را در شماره های قبلی نشریه علیه سرمایه می یابید) می آوریم صرفا در برگزیده نامحائ است که توانسته ایم از تاریکی زار ملامال از سانسور، خفقان، کنترل، بریدن زبان ها، شکستن قلم ها و دوختن دهن ها بیرون آریم.

طوفان ویرانگر بحران سرمایه داری، اپیدمی مرگ آور کووید ۱۹ مولود نکبت، ادبار و برهوت آفرینی سرمایه، عدم دسترسی کارگران به حداقل امکانات درمانی و حفاظتی برای مقابله با هجوم این بیماری مهلک، ابتلای چندین میلیونی و مرگ و میر چند صد هزار نفری همراه با دنیای فقر، فلاکت، آوارگی، بی بهداشتی و بدبختی حاصل استیلای سرمایه داری، همه و همه به صورت کوه آسا بر زندگی کل توده های کارگر دنیا آوار است. در این میان وضعیت توده کارگر ایران از غالب مناطق جهان رعب انگیزتر، فاجعه بارتر و خرد کننده تر است. اینجا هر نفس کشیدن اعتراضی کارگران هم توسط فاشیسم اسلامی آماج حمام خون است، هیچ نوعی امکاناتی در اختیار کارگران برای حفظ جان خود از خطر بیماری موجود نیست. کل کارگران از خردسال تا لب گور مجبورند برای امرار معاش روزانه، برای تأمین هزینه درمان و دارو، برای سیر تا پیاز «زندگی» به کار در هر شرایطی حتی در میان طوفان تاخت و تاز کووید ۱۹ تن به کار

محمد شریفی پزشک متخصص درد بیمارستان تجریش	۷۰۳	عبدالحسین مرتضی فر متخصص اورتوپدی شهرستان لالی	۷۰۴
امیر همایون فتوحی پزشک بیمارستان تهران	۷۰۵	محمد رضا دهخدا پزشک بیمارستان امام خمینی	۷۰۶
غزال اصغری دانشجوی دندانپزشکی ساری	۷۰۷	داوود وزیری متخصص اورژانس پزشکی بیمارستان نفت	۷۰۸
سعید ممدوح پزشک بیمارستان رضوانشهر	۷۰۹	لیلانعیمی دکترای آموزش پزشکی بیمارستان خرمدره زنجان	۷۱۰
امید ابراهیمی فیزیوتراپیست بیمارستان تهران	۷۱۱	حسن اعتمادی متخصص بیپهوشی بیمارستان فاطمه	۷۱۲
مهرداد کرمی کادر درمان مرکز بهداشت فردیس	۷۱۳	شیرین عبداللهی پرستار بیمارستان اهواز	۷۱۴
حشمت الله استادی دندانپزشک نوش آباد	۷۱۵	مالک جنگی کادر جوان درمان بیمارستان ایرانمهر	۷۱۶
نظر فخاری بهیار بیمارستان مدرس ساوه	۷۱۷	زینب رحمتی متخصص طب اورژانس بیمارستان آبادان	۷۱۸
محمود حیدری متخصص طب اورژانس ۱۱۵ تهران	۷۱۹	خجسته علی ین کادر درمان مرکز بهداشت کرج	۷۲۰
محمد حسن محمد خواه متخصص داخلی بیمارستان رشت	۷۲۱	خیر الله محمودیان متخصص بیپهوشی بیمارستان میاندوآب	۷۲۲
جواد کلاهدرازی بهیار اورژانس چابهار	۷۲۳	بهمنام طالاری فارق تحصیل علوم پزشکی شهید بهشتی	۷۲۴
حبیب رضا گلپور متخصص بیپهوشی بیمارستان تهران	۷۲۵	محمد شریفی متخصص درد بیمارستان بوشهر	۷۲۶
ابراهیم خلیلی کادر اورژانس تهران	۷۲۷	مهشید گودرز پرستار باردار مرکز پزشکی لقمان	۷۲۸
جلال بهرامی کشکولی متخصص اتاق عمل بیمارستان شیراز	۷۲۹	اشرف رحیمی زاده متخصص اتاق عمل بیمارستان اهواز	۷۳۰
یکتا عبادب پزشک اورژانس بیمارستان بیرجند	۷۳۱	فیض الله اسماعیل زاده پرستار بیمارستان ارومیه	۷۳۲
عبد الله کدخدا متخصص اورژانس فوج سیستان و بلوچستان	۷۳۳	مرتضی میریان متخصص اورژانس فوج سیستان و بلوچستان	۷۳۴
فاطمه دهقانی رزیدنت باردار بیمارستان یزد	۷۳۵	عباس کدخدا کادر اورژانس فارس	۷۳۶
معین مرادی پرستار جوان بیمارستان جوانرود	۷۳۷	جمیل فتاحی امدادگر هلال احمر جوانرود	۷۳۸
المیرا حبیب زاده رادیولوژیست بیمارستان تبریز	۷۳۹	راضیه نجفی رزیدنت دانشگاه پزشکی شهر کرد	۷۴۰

برخی گزارشات حوزه درمان سرمایه

می شوند و کرونا همچنان جولان می دهد. انگار در موضوع واکسن کرونا، مسابقه جهانی حول تنوع واکسن شکل گرفته است و ایران هر روز از واکسن های جدیدی مثل اسپوتنیک ایرانی، میلاد، نوراوکس، پاستوکوک، کووبرکت، کوپارس، فخراواک و اسپایکوژن، سوبرانا ۱ و ۲ و... رونمایی می کند!!

۵ تیر / طبرسی، رییس بخش عفونی بیمارستان مسیح دانشوری، از موج پنجم کرونا در کشور به دلیل شیوع گونه دلتا خبر داد و گفت وضعیت فیروز کوه و دماوند قرمز است و تهران هم تا دو هفته

۹ تیر / دکتر نادر توکلی معاون درمان ستاد کرونای استان تهران رسماً اعلام کرد که یک هفته است که وارد موج پنجم کرونا شده ایم. دکتر توکلی گفت آن چه که مشاهده می کنیم مربوط به انواع جهش یافته ویروس کرونا است.

۷ تیر / محمد رضا محبوب فر کارشناس حوزه سلامت دولت اسلامی سرمایه ایران می گوید:

تاکنون بیش از ۳۰۰ هزار نفر در کشور به علت ابتلا به کرونا درگذشته اند اما واکسن های متنوع ایرانی یکی یکی رونمایی

آینده با موج جدیدی از کرونا مواجه خواهد شد. قبلا نیز از شیوع گونه دلتا در استان های کرمان، هرمزگان و سیستان و بلوچستان در رسانه های دولتی اخباری منتشر شده بود. می توان گمان زد که این گونه هم اکنون در همه استان های ایران وجه غالب ویروس کوید ۱۹ باشد زیرا بروز و انتشار این گونه همزمان در ایران و بریتانیا بوده و چون دولت بریتانیا همه اکنون از تسلط ۹۰ درصدی این گونه گزارش می کند پس شرایط زندگی و مرگ و میر توده های کارگر ایران نیز در مقابل تاخت و تاز یکساله و نیمه پاندمی کرونا بهتر نشده بلکه با تسلط و توفیق این گونه چیزی نظیر هند است!!

۴ تیر / شهرهایی که در آن ها گونه دلتا در حال گسترش است: شهرستان های مهران (استان ایلام)، تنگستان، دشتستان، دشتی، دیر، عسلویه و کنگان (استان بوشهر)، دماوند و فیروزکوه (استان تهران) و اطراف تهران، ایرانشهر، خاش، زابل و زاهدان (سیستان و بلوچستان)، گراش، لارستان و لامرد (فارس)، بم، رودبار جنوب، قلعه گنج، کرمان و منوجان (کرمان)، بستک، بندرلنگه، بندرعباس، پارسیان، جاسک، حاجی آباد، خمیر، رودان، قشم و میناب (هرمزگان) و شهرستان یزد (استان یزد).

۱ تیر / سازمان جهانی بهداشت ، نام سندروم پسا کووید ۱۹ را برای مجموعه ای از عوارض طولانی و طیف گسترده ای از علائم و یافته های بالینی بعد از ابتلاء بدن به کووید ۱۹ انتخاب نموده که معمولا حد اقل شش ماه بعد از درمان ظاهر می شوند و هیچ بازه زمانی از ادامه آن ها وجود ندارد. یعنی مدت زمان و ادامه این عوارض هنوز مشخص نیست و تا زمانی که این پاندمی وجود دارد و بنحو پیچیده تری در حال گسترش است، یافته های بالینی در افراد بعد از درمان ظاهری می تواند ادامه یابد. این علائم تا کنون این گونه گزارش شده اند:

- خستگی سخت و ممتد؛

- اختلال در تمرکز و یا فرآیندهای فکری (از این وضعیت در

برخی از موارد تحت عنوان "مه مغزی" یاد می شود)؛

- مشکلات تنفسی (با و یا بدون یافته های تصویربرداری غیر

طبیعی و آزمایش های عملکرد ریوی)؛

- سرفه مزمن؛

- درد عضلانی و مفصلی (ضعف عضلانی)؛

- افسردگی یا اضطراب؛

- درد قفسه سینه؛

- سر درد؛

- لرز و تب خفیف، احساس داشتن تب؛

- تپش قلب، تاکی کاردی؛

- در مدتی بیش از شش ماه بعد از درمان از دست دادن حس

بوایی یا چشایی؛

- سرگیجه هنگام ایستادن؛

- اختلال حافظه و مشکلات خواب؛

- مشکلات معده و روده ای؛

بر اساس عوارض بالا سازمان بهداشت و درمان بریتانیا روز ۲ تیر اعلام کرد تا کنون در بریتانیا ۲ میلیون مریض پسا کووید ۱۹ ثبت شده وجود دارد. اگر ما این رقم را در نسبت کل مبتلایان کووید ۱۹ بریتانیا تا کنون حساب کنیم چیزی در حدود ۴۳ درصد خواهد شد. تا روز ۲۳ ژوئن این کشور ۴۶۶۷۰۰۰ کیس کووید ۱۹ داشته است، ارقام رسمی جمهوری اسلامی تا این تاریخ ۱ میلیون و ۲۸۰ هزار مبتلا بوده است. حال سوال این است که تعداد مبتلایان پسا کووید ۱۹ ایران حدودا چقدر است. اگر ما رقم درصد مبتلایان بریتانیایی در موارد گزارش شده مبتلایان به کووید ۱۹ ایران توسط نظام سرمایه تا این روزها در نظر بگیریم حد اقل چیزی در حدود ۱ میلیون و ۳۴۰ هزار مریض پسا کووید ۱۹ تا کنون در ایران وجود دارد. با توجه به این که سازمان های بین المللی جهانی بهداشت تعداد مبتلایان به کووید ۱۹ در ایران را حد اقل ۵ برابر ارقام رسمی گزارش شده می دانند پس تعداد مبتلایان به سندروم پسا کووید ۱۹ در ایران چیزی در حد ۷ میلیون نفوس انسانی است که اکثر قریب به اتفاق آن ها کمترین و بی مقدارترین دسترسی به درمان و سیستم درمانی دارند.

۵ خرداد / دکتر ایرج خسرونیا رئیس انجمن پزشکان متخصص داخلی: دست کم ۸۷ تن در طی ماه های اخیر از اعضای جامعه پزشکی کشور، با انتخاب مرگ های خودخواسته به زندگی شان پایان داده اند. خبری که از چشم رسانه ها عمدا و غیر عمدا دور مانده!! چرا همکاران به مرگ خود خواسته روی آوردند؟ زیرا قرار بود نتایج زحماتشان را به طور مشخص بگیرند اما پرپر شده .

۴ خرداد / ناهید خداکرمی، رییس کمیته سلامت شورای شهر تهران: بنابر آمار بهشت زهرا طی یکسال نزدیک ۳۱ هزار نفر در تهران بر اثر کرونا جان باخته اند که شامل ۱۸ هزار و ۵۱۲ مرد و ۱۲ هزار و ۱۶۸ زن بوده اند. از این تعداد ۲۱ هزار و ۶۹۶ نفر

در بهشت زهرا و ۸ هزار و ۹۸۴ نفر در زادگاه شان دفن شده‌اند. این در حالی است که گزارش رسمی دولت سرمایه اسلامی به سازمان جهانی بهداشت در همین روز ۷۹۰۵۶ مرگ در کل ایران ناشی از کرونا تا کنون بوده است.

۳۱ اردیبهشت / بنا به آمار منتشره تا کنون ۹۵۰۰ راننده تاکسی به کرونا مبتلا شده‌اند که ۵۰۰ تن از آنان فوت کرده‌اند.

۲۱ اردیبهشت / محمد میرزابیگی رئیس سازمان نظام پرستاری روز سه شنبه در نشست خبری روز جهانی پرستار در باغ موزه گفت: پرستاران در ۱۴ ماه گذشته ایثارگری کردند، بیش از ۱۰۰ هزار نفر آنان به کرونا مبتلا شدند، ۱۲۰ نفر در این راه جان باختند! بیشرمی، دروغ‌گویی و کتمان حقیقت از جانب جمهوری اسلامی سرمایه داری، مدیران آن همه مرزهای عوام فریبی را پشت سر گذاشته است. اگر اعداد فوق را به درصد محاسبه کنیم فقط ۰,۱۲ درصد از پرستاران مبتلا در دوزخ سرمایه داری ایران بر اثر کوید ۱۹ کشته شده اند. حال اگر اعدادی که این رژیم خون و جنایت هر روز به سازمان بهداشت جهانی گزارش می دهد را محاسبه نمائیم (کل مرگ بر اثر کرونا در ایران تا ۲۱ اردیبهشت ۷۵۵۶۸ است و طبق همین گزارش تعداد ۲ میلیون ۶۹۱ هزار و ۲۵۵ نفر تا کنون مبتلا شده اند)

۲,۸ درصد از این مبتلابان جان باخته اند! چه گونه است که مرگ پرستارانی که شب و روزشان در کنار این بیماران بدون کوچکترین ایمنی، کمترین تجهیزات پوششی اند کمتر از یک بیستم کل مرگ ومیر در جامعه است!!

۱۴ اردیبهشت / بدنبال مرگ سه دانشجوی پزشکی محمد شریفی مقدم، دبیرکل خانه پرستار ایران، مرگ مشکوک چند دانشجوی پزشکی تخصصی در هفته‌های اخیر را تأیید کرده و گفته است که «تحقیقات پزشکی باید در مورد علت اصلی مرگ‌های پشت سرهم رزیدنت‌ها انجام بگیرد و تا اعلام نهایی تحقیقات نمی‌توان به طور دقیق علت مرگ را بیان کرد، ولی می‌توان پیش‌بینی کرد که اوردوز مصرف مواد مخدر یا خودکشی می‌تواند علت مرگ این افراد باشد». همچنین پژوهش‌ها در سطح بین‌المللی نشان داده، در حدود یک سوم کادر درمانی به علت شیوع کرونا ویروس از بی‌خوابی رنج می‌برند. به نقل از ساینس، کادر درمانی بیمارستان‌ها که درگیر بیماری کرونا هستند، در معرض استرس و تروما (ضربه روانی) هستند و همه این عوامل در طولانی مدت بر روی سلامت روان آنان تأثیر خواهد داشت.

اخبار اعتراضات کارکنان حوزه درمان سرمایه

۲۱ اردیبهشت جمعی از کارکنان بیمارستان نظام مافی شوش در اعتراض به عدم پرداخت دستمزد و تعیین تکلیف نشدن حکم‌های استخدامی خود مقابل درب رئیس بیمارستان نظام مافی شوش تجمع کردند.

۲۵ اردیبهشت جمعی از کارکنان بیمارستان «خمینی» کرج، روز شنبه ۲۵ اردیبهشت در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه خود در مقابل ساختمان سازمان همیاری شهرداری‌ها، تجمع کردند.

کارکنان و بازنشستگان بیمارستان امام خمینی کرج روزهای ۴، ۸ و ۱۰ خرداد در اعتراض به عدم پرداخت دستمزدهای معوقه و چک‌های بی اعتبار صادر شده از طرف مدیران سرمایه مقابل

سازمان همیاری و شهرداری‌های این استان تجمع کردند. **۶ خرداد** تجمع اعتراضی کادر درمان و کارکنان درمانی بیمارستان «بوعلی»، وابسته به دانشگاه آزاد اسلامی در تهران، در اعتراض به نازل بودن دستمزدها تجمع کردند.

۱۹ خرداد جمعی از کارکنان پایگاه‌های سلامت در اعتراض به سطح نازل دستمزدهایشان در مقابل وزارت بهداشت در تهران تجمع اعتراضی برگزار کردند.

۲۳ خرداد کارگران شرکتی بهداشت مشهد در اعتراض به سطح نازل دستمزدهای خود و عدم دریافت هیچگونه اضافه دستمزد کارسخت خود، مقابل ستاد مرکزی این دانشگاه تجمع کردند.

۳۱ خرداد کادر درمان بیمارستان خمینی کرج بار دیگر در

بر دستمزدها، عدم پرداخت بموقع دستمزد، عدم امنیت شغلی دست به تجمع زدند.

۱۳ تیر روز یکشنبه ۱۳ تیرماه ۱۴۰۰ جمعی از کادر درمان شرکتی مرکز بهداشت قم در اعتراض به سطح نازل دستمزد و عدم امنیت شغلی خود مقابل ساختمان وزارت بهداشت تجمع اعتراضی کردند.

۱۵ تیر کادر درمان سازمان تامین اجتماعی، صبح روز ۱۵ تیر در اعتراض به سطح نازل دستمزدها، عدم پرداخت مزاد مشاغل سخت و تاخیرهای طولانی مدت پرداخت دستمزدها دست از کار کشیده و در مقابل سازمان تامین اجتماعی در تهران، دست به تجمع اعتراضی زدند.

اعتراض به معوقات مزدی و عدم امنیت شغلی خود مقابل سازمان همیاری شهرداری تجمع کردند.

۵ تیر کارگران آشپزخانه بیمارستان بوعلی قزوین در اعتراض به کاهش دستمزد، سختی کار و عدم پرداخت بموقع دستمزدها اعتصاب کردند.

۸ تیر پزشکان و دانشجویان پزشکی، اینترن و رزیدنت ها در تجمع اعتراضی مقابل دانشگاه های علوم پزشکی و خدمات بهداشتی و درمانی شهرهای شیراز، اهواز، اصفهان، تهران، سنندج، همدان، کرمانشاه، کرمان، یاسوج، خرم آباد، تبریز، در اعتراض به، بی توجهی به سلامت مردم، گسترش فساد در بخش مرتبط با سلامت و تخلفات گسترده، عدم افزایش دستمزد، مالیات بالا



#متحدوشورایی_واکسن_کرونا_رایگان_سازیم
#کارگران_ضد_سرمایه_داری

#شورایی_ضد_سرمایه_داری_متشکل_شویم
#مراکزکاررا_تعطیل_و_بهداشت_و_درمان_رایگان_سازیم

از یک کولبر به کولبران

درباره سوداگران کرد و نفتگران اعتصابی

یک کولبر / دهم تیر ۱۴۰۰



مدال انتخاب مزخرف ترین و پوچ ترین شعار معاصر را باید به این احزاب و سمپاتهایشان داد زیرا آنها با پدیده کولبری به مانند یک امر طبقاتی نگاه نمی کنند و اساسا مشکلشان خود پدیده کولبری نیست بلکه کشتن کولبران مورد اعتراضشان است و چنان با یک کاسه کردن و یکدست کردن کولبران با بورژواهای محلی کردستان این پدیده غیر بشری که حاصل ساز و کار و مناسبات غیرانسانی سرمایه داری است را به مقوله ستم ملی تقلیل داده اند گویا در این مناسبات و گردش روزافزون سرمایه

فوق لیسانس شیمی هستم اهل استان کرمانشاه. دل نوشتای نگاشته ام از من کولبر و یکی از صدها تحصیل کردگان که کولبری می کنم خطاب به کولبران کردستان. هر وقت کولبری هدف شلیک مستقیم گلوله حافظان سرمایه می شود و یا از پرتگاه پایش لیز می خورد و جان می دهد و یا در خوشبینانه ترین حالت یا توسط نگهبانان سرمایه کتک می خورد و یا قطع عضو می شود رسان های اونور آبی اعم از فارس و کردشان فریاد سر می دهند که واویلا کولبر نکشید.

تمام کردستان بدون هیچ تقسیم بندی طبقاتی به طور یکسان سود و زیان می‌برند.

من از همین جا به تمام هم طبقه‌هایم اعم از کارگران و کولبران یادآور می‌شوم درد ما دردی ملی نیست بلکه دردیست کاملاً طبقاتی. درد ما با کارگران شرکت نفت، کارگران هفت تپه و کارگران سراسر جهان مشترک است نه با بورژوازی تجاری کردستان. همانگونه که سهم کارگران سایر کارگاه‌ها و حوزه‌های تولیدی ایران و جهان همانند ما کولبران کرد از گردش سرمایه گرسنگی، حقوق معوقه، عدم داشتن بیمه، عدم امنیت شغلی، اخراج فله‌ای و فقر و فلاکت روزافزون توده‌ای است، ما طبقه رنج‌دیده کولبر کردستان نیز سهم مان از مرز و گمرکات مرزی و گردش سرمایه در مرزهایمان کولبریست، ریسک کردن و خطر کردن است، یخ زدن در سرما است، گلوله است و جان دادن و قطع عضو شدن. اما در مقابل سهم بورژوازی تجاری کردستان مانند تمام بورژواهای سایر نقاط دیگر از همین مرز مشترکمان پارو کردن دلار است و سودهای کلان، ماشینهای لوکس است و خانه‌های ویلایی و سفرهای لاکچری.

رفقا کولبران و هم طبقه‌های عزیزم ما همه به چشم خود دیده‌ایم و تجربه‌اش کرده‌ایم که احزاب بورژوا ناسیونالیست و پروغرب کردستان اعم از حزب دموکرات و حزب پژاک و کومله در مرزهای کولبری از کولبران حق گمرک (شما بخوانید باج و پول زور) می‌گیرند. پس نه این احزاب و نه سمپاتهای شیادشان صلاحیت آن را ندارند که از درد کولبر بگویند و بنویسند و مطمئن باشید بدون هیچ تردیدی آنکس که درد کولبری را به درد مشترک ملی تقلیل می‌دهد و صرفاً از فرم حکومت و قدرت و استبداد مرکز بدون در نظر گرفتن سازوکار جهانی و منطقه‌ای سرمایه‌داری سخن می‌گوید بی‌گمان یک ریاکار و کلاهبردار است.

این درد را نوشتیم تا یادآور شوم که ما قبل از هرگونه شلیک مستقیم و ستمی از سوی نیروهای حافظ سرمایه در ایران توسط بورژوازی تجاری محلیمان همان صاحبان بار و کالاها استثمار شده‌ایم، صاحب بار و بورژوازی محلی کردستان که با تلفنش در تخت خوابش دلار جابجا می‌کند چگونه با ما کولبران که از روی ناچاری و نداری و بیکاری و فقر به کولبری روی آورده‌ایم و با فلاکت و مشقت و بدبختی و به قیمت جانمان کالا و سودش را حمل و حفاظت می‌کنیم همسان هستیم و در یک خط قرار می‌گیریم؟ ما با این زالوصفتان در مقابل یکدیگر هستیم نه در کنار یکدیگر.

در پایان باید عرض کنم که این اپوزیسیون منحط و خوش نشین در خارج از ایران اعم از چپ و راستشان که در برابر سازوکار جهانگیر و ویرانگر نظام متعفن سرمایه داری ساکت اند و همه درد و رنج و فلاکت توده‌ای ما را به ناکارآمدی دولت جمهوری اسلامی تقلیل می‌دهند و صرفاً از تبعیض و ستم ملی سخن می‌گویند دلسوز و یاور ما نیستند بلکه دشمن طبقاتی ما و عوامل و دست اندرکاران تحمیق کردن ما هستند در یک کلام باید به همه شان بفهمانیم و بگوییم که سکوت کنید و خفه شوید. یار و یاور ما همین کارگران اعتصابی هستند که باید به ندایشان گوش کنیم، از تجربیاتشان درس و آموزش بگیریم و با خوشبینی و امیدواری پیام همبستگی خود را به هم طبقه‌ای‌ها و رفقای راستینمان اعلام بداریم که با ذهن و اندیشه و قلبمان از این سر ایران تا آن سوی کشور با رزم برحقشان همسو هستیم و رزم همه ما رنج‌دیدگان کردستان، ایران و جهان علیه سرمایه است با هر شکل و قالب و نامی و یا در هر لباسی و با هر زبان و ایدئولوژی خاصی در هر نقطه از این کره خاکی.

مد، قدرت و سود در ترکیه

منبع خبر از گزارش فرهنگی دوچلند پونکت / 2021-06-01



صبح زود به این جا می آیند و عصر تکیده و خسته بر می گردند. کارخانه مذکور هم در اینجا قرار دارد. اکثریت کارگران این کارخانه را زنان کارگر تشکیل می دهند و اغلب اقتصاد خانواده به مزد آن ها وابسته است. یک کارگر زن تعریف می کند: روزی اواسط مارس برای دریافت دستمزد به کارخانه مراجعه کردم. یکباره دچار شوک شدم. گویی کارخانه ای اصلا اینجا نبوده است. سالن کارگاه ما خالی خالی بود و یک کارگر رنگرز مشغول رنگ آمیزی آن. از ماشین های کار خبری نبود. وقتی سر و کله رئیس کارخانه پیدا شد به ما گفت شما همه تا ماه ژوئن به مرخصی بدون مزد می روید. شوک پشت شوک. مرخصی بدون مزد یعنی مراجعه به اداره کار و دریافت ماهیانه ای معادل نصف حداقل دستمزد رایج ترکیه یعنی ۱۴۰ یورو. با این پول چه باید می کردم. زندگی خانواده پنج نفره ما به دستمزد من وابسته

بسیاری از فروشگاه های زنجیره ای پوشاک مد، از جمله زارا، کلوبین کلاین، تامی هیلفینگر و ال.سی کالاهای خود را در ترکیه تولید می کنند. بحران اقتصادی ۲۰۰۸ کماکان تاثیراتش برجا بود که بحران ناشی از کوید ۱۹ از راه رسید و بحران قبلی را تجدید و تقویت کرد. دولت های سرمایه داری به سرعتی باور نکردنی به چاره جویی پرداختند. به نام کارگران و به خرج توده های مردم کارگر و زحمتکش، کارفرمایان را زیر پوشش خود گرفتند. دولت ترکیه هم در این زمره بود و کارفرمایان بخش مد و پوشاک هم از این خان یغما بهره بردند. اما نصیب کارگران که از نامشان سوء استفاده شد چه بود. برای نمونه کارخانه ی تولید پوشاک Samilglu را مورد توجه قرار می دهیم. غرب استانبول جایی است که بلوک های ساختمانی، ساختمان فابریک ها و کارخانه ها و منطقه صنعتی است. هرروز هزارها کارگر

بود زیرا دستمزد همسر خیلی پایین بود. تازه با همان دستمزد هم زندگی نمی چرخید. هر بار که برای خرید می رفتم می دیدم قیمت ها نسبت به دفعه قبل بالا پریده است اما دستمزدها ساکن مانده بود. معلوم شد که کارفرما در این فاصله پاندمی اعلام ورشکستگی می کند و کارخانه را می بندد. بعد در همان محل به نام پسرعمویش شرکت جدیدی را به ثبت می رساند که رنگ آمیزی هم به این خاطر بوده است. به کارگران اعلام می شود که اگر برای گرفتن غرامت شکایت نکنند کافی است که خودشان به طور کتبی تقاضای خاتمه خدمت کنند. آنوقت در کارخانه جدید التاسیس بعنوان کارگر استخدام خواهند شد. به این طریق کارفرما با یک تیر چند نشان می زند. اولاً غرامتی به کارگران نمی پردازد، دوماً کارگران قدیمی خود را با دستمزد کم تر یک کارگر تازه کار استخدام خواهد کرد و سوماً این فرصت را می یابد که کارگران فعال و معترض را از کارخانه بیرون کند. البته کارگران بیکار ننشسته اند آن ها در این باره به اقداماتی چون افشاگری، اجتماع جلوی کارخانه و اداره کار دست زده اند اما متأسفانه مثل همه جای دیگر از جمله ایران موفق به جلب همبستگی کارگری سایر کارگران و حمایت عمومی نشده اند ولی کماکان مبارزه را ادامه می دهند.

بخش پوشاک یکی از مهم ترین بخش های اقتصادی ترکیه است اما با گسترش پاندمی و بسته ماندن طولانی مدت فروشگاه های پوشاک

در اروپا، تقاضای کالا از کارفرماهای ترکیه پایین آمد. مثل همیشه کارفرمایان بار کساد را بر شانه های کارگران گذاشتند.

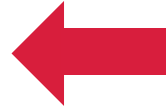
دولت ترکیه برای جلوگیری از بیکاری توده ای و بالا رفتن آمار بیکاران و نرخ بیکاری، بیکار سازی ها را ممنوع کرد و به یاری کارفرمایان اقدام کرد که یک نمونه آن پرداخت ۱۴۰ یوروی مذکور بود تا شرایط به وضع عادی باز گردد. اکنون بیش از چهار میلیون کارگر در ترکیه در چنین شرایطی هستند. بخش دیگری از فشار روی کارگران فساد مالی حاکم در ترکیه است به طور مثال فروشگاه زنجیره ای زارا با شیوع پاندمی مبلغی را به عنوان بن های کمکی برای کارگران کارخانه هایی که برایش تولید می کردند به کارفرماهای محلی ترکیه پرداخت اما آن ها این پول را به حساب کارگران واریز نکردند و برای خود برداشتند. وقتی مساله افشا شد و زارا در این باره به تحقیق پرداخت، کارگران مورد تهدید اخراج قرار گرفتند و از آن ها خواسته شد که مکتوبی برای هریک از این ماه ها بنویسند که سهم خود را دریافت کرده اند.

دولت ترکیه زیر فشار مبارزات کارگران اعلام داشته بود که ۶۰٪ مزد کارگران بیکار شده در پاندمی کووید ۱۹ را پرداخت خواهد کرد!! و ۴۰٪ مابقی را سرمایه داران خواهند پرداخت!! آنچه در عمل اتفاق افتاد این بود که ۶۰٪ را دولت به حساب سرمایه داران واریز کرد و صاحبان سرمایه از همین ۶۰٪ فقط ۴۰٪ را ظاهراً به کارگران دادند!!

توضیح کارگران ضد سرمایه داری:

این است که کارگران به جای تلاش برای ابراز وجود به صورت یک قدرت سازمان یافته شورائی سراسری و ضد سرمایه داری، به جای اعمال این قدرت علیه سرمایه و تحمیل خواسته های خود بر طبقه سرمایه دار، چشم به راه حل مشکلات خویش توسط وحوش سرمایه دار و دولت سرمایه نشسته اند.

فاجعه اما این نیست که دولت دروغ گفت، سرمایه داران دزدی کردند، دولت به کارگران کمک ننمود، به جایش میلیارد، میلیارد به حساب سرمایه داران ریخت. فاجعه واقعی توهم کارگرانی است که می پندارند دولت و صاحبان سرمایه قرار است موجودات دیگری باشند و کارهای دیگری انجام دهند. فاجعه



ما عدهای کارگریم، تا چشم باز کرده‌ایم شاهد استثمار وحشیانه پدران و مادران، همسایگان و اهالی محله کارگرنشین خود و همه کارگران توسط سرمایه‌داران و سرمایه‌بدهایم. با گوشت و پوست و رگ و خون خود لمس نموده‌ایم که کلیه سرمایه‌ها و ثروتها توسط طبقه ما تولید میشود و دنیای فقر و فلاکت و سپهرزبیاها نیز بیش از پیش بر سر طبقه ما آوار می‌گردد. هرچه بیشتر تولید کرده‌ایم عمیق‌تر از وسائل کار و تولید و محصول کار خود جدا شده‌ایم. هرچه بر قدرت سرمایه‌افزوده‌ایم خود فرسوده‌تر و حقیرتر شده‌ایم. با چشم باز و با همه وجود مشاهده کرده‌ایم که دولت، ارتش، قانون، حقوق، اخلاق، فرهنگ، پلیس، دین، مسجد، منبر و همه چیز جامعه موجود متعلق به طبقه سرمایه‌دار، مدافع سرمایه‌داری، علیه ما و در خدمت ماندگاری استثمار وحشیانه ما توسط سرمایه است. همه شعور و شناخت و ذهن و فکر و عقل و احساس و ادراک ما با این واقعیتها آمیخته است. ما به حکم کارگر بودن خویش به صورت خودجوش، ضد سرمایه‌داری و علیه بردگی مزدی هستیم. فلسفه و دانش و تخصص و فضل ویژه‌ای هم لازم نیست تا ضدیت با سرمایه را به ما بیاموزد. ریشه و بنیاد سرمایه‌ستیزی خودجوش ما در اینجا، در عمق این واقعیتها است. ما گروه، حزب، سازمان، کمیته و هیچ دار و دسته‌ای نیستیم. اینگونه تشکلهای ما از بالای سر کارگران ساخته می‌شوند ابزار تبدیل جنبش طبقه ما برای چانه‌زنی با سرمایه‌داران و کسب قدرت دولتی می‌دانیم. این نوع تشکل‌سازی‌ها حتا اگر با جنجالهای ضد سرمایه و چپ‌نمایانه همراه باشد، راه و رسمی غیر کارگری است. سازمانیابی طبیعی طبقه ما شورا است. در متن مبارزه شورائی باید با هم به گفتگو بنشینیم، تجارب و آگاهی خود را به هم منتقل کنیم و برای ارتقای رویکرد ضد سرمایه‌داری خودجوش طبقه خود بکوشیم. ما این نشریه را منتشر نمی‌کنیم تا مبارزات کارگران را رهبری کنیم!! نه فقط چنین ادعایی نداریم که هرگونه مرجع و مقلد و هرمیزان تبعیت جنبش کارگری یا توده کارگر از اراده رهبران را فاجعه‌ای برای این جنبش و انحراف از ریل واقعی پیکار ضد سرمایه‌داری می‌دانیم. می‌خواهیم که این نشریه تریبونی برای اثرگذاری سرمایه‌ستیزی در مبارزه روز ما کارگران باشد. اثرگذاری تعداد هرچه بیشتری از کارگران در تعیین راه و رسم و پیچ و خم مبارزه طبقاتی برای رفع و دفع تعرضات همیشگی سرمایه‌داران و رهایی نهایی از شر وجود سرمایه‌داری، هدف انتشار «علیه سرمایه» است.

website
Email
telegram
instagram

www.alayhesarmaye.com
kargarshora19@gmail.com
@ alayhesarmaye
@ alayhesarmaye